انما المؤمنون اخوة

Verily all Muslims are Brethren

مؤتمر العالم الإسلامي

رسول خدا صلى الله عليه وآله بر سر كوه صفا

پيام

بكنگره هاى اسلامى

هنـــد

حيدرآباد ـ لكهنـــو

للعلامة الحجة آية الله مولانا الجليل

الحاج ميرزا خليل الكمره‌اى

مد ظله

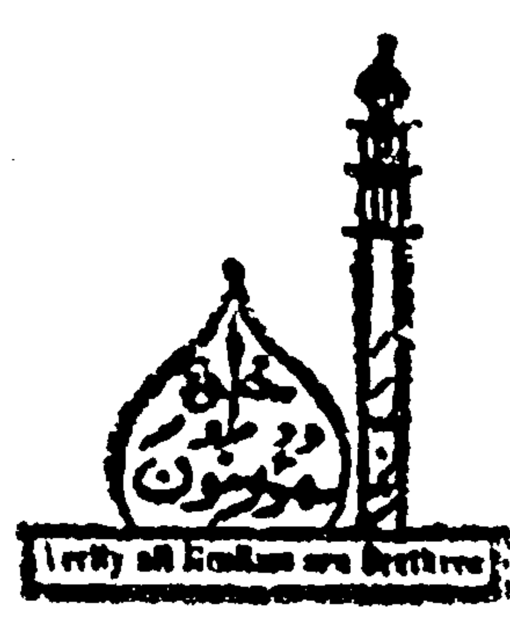
پیام

بکنگره های اسلامی

هند

حیدرآباد - لکهنو

للعلامة الحجة آية الله مولانا الجليل
الحاج ميرزا خليل الكمره اي
مد ظله



واعتصموا بحبل الله جميعا
ولا تفرقوا

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن ناشر

این پیام پاسخ دعوتی است بکنگره های اسلامی هند از طرف والدمعظم دریکی از آنها از طرف کنگره سیمین حیدرآباد تقاضای پیام و شادباش شده که متن آن و جواب آنرا خواهیدخواند و در آن دیگر دعوتی برای شرکت در جشن هشتادو- پنجمین سال ندوة العلما لکهنئو راخواهید دیدو پاسخ آنرا مطالعه میکنید.

درپاسخ اول تشویق و قدردانی ازخدمات دانشمند معظم جناب آقای سیدعباس رضوی خطیب اهل بیت میباشد که معظم له از انصار آل محمد صلى الله عليه وآله در خطه هندوستان هستند .

درپاسخ دوم شکایت و گله و اظهار تأسف شدید از روش و رفتار و طرز نگارش مقالات برضد شیعه از طرف ندوة العلماء لکهنئو هند میباشد و درضمن آن در وضع دنیای روز ، مسلمانان باتحاد و برادری و همکاری دعوت شده‌اند.

برای آگاهی برادران دینی وسروران معظم که علاقمند بودند از متن دعوتها و پاسخ بآنها آگاه باشند اقدام بچاپ و نشر آن بفارسی شد .

ناصرالدین کمره‌ای

تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۷۵ برابر با ۲۲ خرداد ۱۳۴۵

عالیجناب :

سلام علیکم جای بسی خوشوقتی است که بدین ترتیب پایان ۲۵ سال خدمت به اسلام واهل بیت اطهار را به آنجناب اطلاع میدهیم .

مادر حال تدارك جشن سیمین اعتراف خدماتی هستیم که بافتخار خطیب اهل بیت علامهٔ سیدعباس رضوی درحیدر آباددر تاریخ۱۹ رجب۱۳۹۵ برگزار میگردد.

دراین مراسم درباره زندگی و خدمات علامه رضوی صاحب خیلی از اساتید سخنرانی‌هائی ایرادخواهند نمود .

ما تقاضا میکنیم آن عالیجناب منت گزارده وپیام‌تبریکی(خوشحالی) برای ما فرستاده واعضای کمیته را ممنون گردانند .

بعلاوه‌به نیابت‌از طرف کمیته، ما هدایائی یعنی کتابهای باارزشی بعنوان هدیه برای تکمیل کتابخانه سیدعباس رضوی تقدیم‌خواهیم کرد.

شخصیت علامه سیدعباس رضوی بخوبی درجهان اسلام ودرنظر آن جناب شناخته شده میباشد . ایشان همواره با خلوص نیت و ارادتمندی به مسلمانها خدمت کرده‌است و همیشه مشعل‌دار وحدت وخوشبختی مسلمین بوده است . مجالس ، سخنرانی ها ،و دانش وسیع آکادمیك ایشان در سراسر ممالك اسلامی من‌الجملة ایران کاملا شناخته شده است اگرآنجناب همراه پیغام وتبریکاتتان یادبود ارزنده‌ای ارسال دارند نظریات ما درسطح عالیتری تأیید گردیده است .

اعضای کمیته مشتاقانه درانتظار پاسخ‌محبت آمیز شماهستند. برای اطلاع بیشتر جنابعالی کمیته‌ترتیب‌دهنده‌این مراسم(جشن‌سیمین اعتراف‌خدمات)ازافراد ادیان و مذاهب‌مختلف‌نظیر شیعه، سنی، و هندو دعوت بعمل آورده‌است .

فرمانبردار شما شریف اسلام دبیر کل کنگره

غره رجب ۱۳۹۵
جواب نامهٔ حیدرآباد

از طهران عاصمهٔ ایران
بحیدر آباد هند

بکمیته جشن سیمین اعتراف بخدمات خطیب آل‌محمد 

***

عالیجناب آقای شریف‌الاسلام دبیرکل جشن سیمین اعتراف بخدمات علامه بزرگوار آقا سیدعباس رضوی خطیب اهل بیت اطهار سلام‌الله علیهم اجمعین حیدر آباد هند .

السلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته .

امابعد نامهٔ‌مبارکه واصل با اظهار تشکر از ابراز عواطف عالی مطالب بقرار ذیل است :

اولا ـ از تشکیل مجلس جشن سیمین اعتراف بخدمات معظم‌له که مارا مطلع خواسته‌اید ودر جریان گذاشته‌اید بسیار متشکرم واصل آن سبب بسیار سربلندی است .

ثانیاً ـ درنامه دو چیز خواسته‌اید که اسباب افتخار است یکی پیام تبریك شادی و دیگری یادبودارزنده‌ای. اما یادبود ارزنده که فعلا مقدوراست کتابهای تألیفی است که تقدیم میشود و اما پیام‌تبریك : تبارك‌الله صداحسنت بهمت کمیته و اعضای خصوصی محترم آن علی‌الاخص شریف الاسلام که زنده را تشویق مینمایندتا حس مسئولیت بیشتری بکند وبیشتربکوشد ولکن برای کلمهٔ تبریك من مناسبتر دانستم که از سخنان تشکرآمیز رسول خدا ﷺ از

انصار کلمه‌ایکه عظیمتر و ارزنده‌تر و مؤثر تر ونافذتر وعمومی‌تر و جامع‌تر باشد پیامی بسازم وعلیهذا ساختم صفحات واوراق آنرا ملاحظه میفرمائید.

ثالثاً ـ هرچه‌را از آن‌مناسب‌دانستیددرمجلس‌درجلسات‌مجمع‌بخوانید واگر همه‌اش را مناسب دیدید بهتر ولکن خوانده شود ویا خوانده نشود باید همگی مقاله در نشریهٔ انجمن که حتماً نشریه‌ای خواهید داشت. درج شود و طبع شود.

رابعاً ـ انتظار میرود که نوارهای‌سخنرانیهاو عکسهای آن‌وفیلمهای مجلس و تصویر اعضای محترم و کتاب نشریهٔ آن مجمع را یکدوره اطف نمائید که یادگار باشد.

خامساً ـ بسیار مسرور شدم که دراین کنگره از همه افراد مذاهب مختلفه شیعی وسنی وهندو دعوت بعمل‌آورده‌اند.

ولکن نصیحت میکنم که چون بیگانه هم درمجلس تشریف داردباید صمیم اسلام ووحدت کلمه وتوحیدکلمه و کلمه توحید بسیار مورد اهتمام و احترام باشد و چنان نباشد که شکافی بین طبقات مسلمین محسوس شودکه از شکاف پوست‌بدن میکروب کزاز وارد میشود وتفرقه‌ما سبب‌مداخله‌بیگانگان وسوء استفادهٔ دشمنان است، قیام ما پیام قرآن است وحضورشما وقیام شما هم برای پرچم قرآن واسلام است و پیامی در جهان بهتر از پیام همدستی و اعتصام بحبل ورشتهٔ خدائی نیست که مجتما و معا وجمیعا بمعیت یکدیگربآن چنگ‌زده شودکه فرموده:



و اعتصموا بحبل‌الله جمیعاًولا تفرقوا واذکرو انعمةالله علیکم‌اذکنتم اعدآء فالف بین قلوبکم. واصبحتم بنعمته اخوانا.

این اعتصام دسته‌جمعی دو اثر ارزندهٔ بی‌نظیر و بی‌مانند میدهد .

۱ - یکی اثر آسیب‌ناپذیری ومصونیت پیکرهٔ اجتماع مسلمین که از رخنهٔ آفات وآسیب، مصون ومحفوظ میمانند واعتصام همین آسیب ناپذیری کالبد است اگر بدنها را با تزریق آمپول از واگیری کولرا آزوتیك (وبا) مصونیت میدهند این مصونیت در پیکر اجتماع مسلمین بوسیلهٔ همدستی و هماهنگی مسلمین در اخذ بحبل‌الله ورشته کلمه لااله‌الاالله وتوحید کلمه‌در کامه توحید بدست میآید این دوکلمهٔ راز بقای ما وتعالی ماست»

اما اثر ارزندهٔ دومین که ارزنده‌تر از این هم‌هست آن اخوت‌وبرادری ومحبت وصمیمیت است که از دنیا ومافیها قیمت آن بیشتر است .

قرآن مجید میفرماید ، و اذکروا نعمة‌الله علیکم‌اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً .

امیرالمؤمنین علی(ع) درخطبهٔایکه تفرقه‌و صدمات‌تفرقه را بر عرب میشمارد میگوید : این رشتهٔ الفت برادری که مسلمین درظل آن وکنف آن مأوی میگزینند وپناهنده‌میشوندنعمتی است گرانبهاکه احدی از مخلوقین قیمت و قدر آنرا نمیدانندچون‌قدر آن‌ازهرثمن وبهااجل است و گرانقیمت تراست وگرانبها تر ازاین چیزی نیست .

لایعرف‌احدمن‌المخلوقین لهاقیمة‌لانهاارجح‌من کل‌ثمن‌واجل من کل‌خطر.

تصدیق آن از قرآن است که میگوید : لوانفقت ما فی‌الارض جمیعاً ما الفت بین قلوبهم ولکن‌الله الف‌بینهم (بین قلوبهم .)

بنابراین شمارا ازتفرقه برحذر میدارم .

وروی همین اساس پاسخ دعوتی که از ندوة‌العلماء هند لکنهئو از مولای معظم السید ابوالحسن علی الحسنی‌الندوی آمده بود برای شرکت در

پاسخ بنامهٔ حیدر آباد

جشن مهرجان تعلیمی هشتاد و پنجمین سال تأسیس ندوة العلماء اینجانب با عشقی که بجناب امین عام ندوة العلماء دارم و صداقتی که در بین است از مجلهٔ ایشان البعث الاسلامی، گلایه داشتم که سنگ تفرقه میاندازند با اینکه امید اصلاح در ایشان داشتم علیهذا پاسخی بایشان داده که نصیحتی بود (ان حقاً علی المسلم نصیحة اخیه المسلم) و اصرار کرده بودم که از تفرقه بپرهیزند.

برای شما استطراداً یک نسخه از آن نصیحت تقدیم میدارم که از مقصد مسلمی سهمی باز نمانند.

و ما ارید الاالاصلاح ما استطعت .

در خاتمه با تجدید احترام   مخلص مشفق

حاج میرزا خلیل کمره‌ای

بسم الله الرحمن الرحیم

السلام علیکم یا انصار دین الله

پیام تبریك و شاد باش برای جشن
حیدر آباد هند از تهران

سلام وپیام شادباش .

از طهران عاصمه کشور عزیز ایران موطن عقیده وایمان صانهاالله و عصمهاالله من الحدثان .

بکمیته جشن سیمین اعتراف خدمات علامه سید عباس رضوی خطیب اهل بیت درحیدر آباد هند اولا- بشخص مولای معظم علامه شهیر خطیب آل محمد سید عباس رضوی خدمتگزار صدیق اسلام وتشیع .

و بسروران معظم اعضای محترم کمیته جشن لاسیما سید کل آقای شریف الاسلام که ازجانب کمیته امضاء فرموده اند و بوسیله آنجنابان ومعظم له به عموم اعضاء وبه جمع مقدس روحانیان آن مجمع و کلیه حاضران در آن محضر و بروساء وزعماء و قائدین افکار امم درآن میان وبوسیله آقایان بهمه مسلمین جهان خاصه زبده گزیده آنان عموم شیعیان - السلام علیکم ورحمة الله و بر کاته .

الحمدلله و الصلوة علی رسول الله

السلام علیکم یا انصار دین الله و انصار
رسول الله و انصار امیرالمؤمنین

برای پیام تبریك آن مجمع مقدس دین‌ودانش درجشن سیمین‌اعتراف خدمات علامه خطیب آل‌محمد ونصرت او ازدین‌اسلام وتشیع بهتر آنکه پیام تبریک از زبان رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیده شود روی‌سخن‌بمولای معظم‌خدمتگزار صدیق‌اسلام خطیب‌آل محمد علامه آقای سیدعباس رضوی است خدمتگزاری که یکربع قرن که‌یکعمر معمولی‌است‌خالصانه بخدمت‌خودکه نصرت‌دین‌اسلام است ادامه داده‌اند .

وبهمه اعضاء آن انجمن وحضار آبرومندو هرکس نظیر ایشان‌درهر قطری‌وهراقلیمی‌بنصرت‌دین‌خداونصرت رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ونصرت‌امیرالمؤمنین قیام نمودهٔ ومینمایند . بهترین پیام شادباش باین زمره گزیده ممتاز انصاردین خدا همانا تشکر رسول خدا از انصار است که شما انصار را هم فرا میگیرد واز سرکوه‌صفا ازآن کوه مرتفع‌بلندکه‌بمنزلهٔ برج‌نوراست علی رؤس‌الاشهاد عشق بانصار را آشکار و عیان اعلان وبجهان پخش نمود . و همان بهترین قدردانی ازشما زمرهٔ انصار است . وهمان‌تشکروقدردانی بهترین‌پیام وتبریك است وخودهمان نیز یادبود ارزنده‌ای است . علاوه برکتابهای تقدیمی‌تألیفی خودم که‌نظر شما را درسطح‌عالیتری تأئید مینماید و در درجهٔ بعدازآن‌ازکلام امیرالمؤمنین درمصاحبه شبانه‌اش بامحرم رازش کمیل‌بن زیاد نخعی است‌که اظهاراشتیاق فراوان بدیدارآن زمره از مبلغین فرمود که بوسیله آنان حجج الهی محفوظ میماند و درمزرع دلهای آماده کاشته وکشته میشود و آنان را تجلیل‌کرد وفرمود آنان (خلفاء الله . فی‌ارضه هستند .

آن خلیـفه زادگـان مقبـلش رسته اند از عنصر جان‌و دلش
گرز بغدادو هری یا از«ری»اند بی مزاج آب‌وگل نسل وی‌اند

بعد اظهار اشتیاق بدیدار آنان کرد و گفت :(آه‌واشوقاالی لقاء هم)
وباز از سخنان نویدبخش پیغمبر خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه‌السلام بعقب ماندگانی که از حسن‌نیت عقب نبوده‌اند اگرچه از عمل عقب بوده‌اند وپیغمبر بآنان نوید داد که شریك همه اعمال ما بوده‌اند اگر چه درمدینه بوده‌اند.
(مختصرالسیرة)(فی‌البخاری) لما رجع‌النبی ﷺ من غزوة تبوك ودنامن‌المدینة قال ان باالمدینة رجالا ما سرتم مسیراولا قطعتم وادیاالا کانوا معکم حبسهم العذر قالوا یا رسول‌الله و هم‌بالمدینة قال وهم‌بالمدینة.
و امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم این چنین‌نوید را داد به آنکه درموقع فتح‌درجنگ جمل به امیرالمؤمنین گفت ایکاش برادر من فلان هم حاضربود واین فتح امیرالمؤمنین‌را میدید.

امام علیه‌السلام فرمود آیا هوای دل او همراه ما بود گفت بلی.
فرمود پس او شریك ما در اعمال مابود بلکه‌کسانی‌شریك و مشارك مابوده‌اند که دراصلاب پدران وارحام مادران اند و زمانه گاهی خون دماغ میشود و آنها را بیرون میدهد وایمان بآنان تقویت میشود.



اما پیام رسول خدا ﷺ :
اما درخشنده‌تراز آنهمه‌همان پیام‌ر ول خدا ﷺ است که‌ازمصدر اول صادر شده واز برج نور کوه صفا که رفیع وبلند ودر چشم‌انداز دوران ونزدیکان است حضرت مصطفی شاخص جهان با قامت رسا بر سرکوه صفا ایستاده آنرا بجهان ابلاغ فرموده.
درموقع فتح مکه که چشمها همه باو و بصوب او دوخته بود(وهمه جا چشمها بسمت‌قوای فاتح معطوف میشود.

پیغمبر اقدس اطهر ﷺ درسرکوه صفا وفاداری خود را به انصار واهل‌مدینه تاحد عشق اعلان کرد وچون این‌سخن عشق بانصار استامیداست که معظم‌له علامه رضوی ونظیران ایشان کهٔ انصار امروزند هم‌مشمول باشند شاخ گل هرجا که میروید گل است اکنون بهتر که متن آن آورده شود.

روز فتح مکه جبرئیل آمد که یا رسول‌الله انصار اهل مدینه رادریاب که از بخشش وعفو تو از اهل مکه دو دل شده‌اند میگویند پیغمبر این مرد از دیدن شهر ودیار خود یعنی (مکه) واز دیدار قوم خویش تبار خود (در مکه) مغلوب عاطفه شده اختیار ازکف داده دیگر به شهرما مدینه نخواهدبرگردد. (الرجل قد ادرکته رغبة ببلدته ورأفةبعشیرته) پیغمبرﷺ برسرکوه‌صفابرآمدکه درچشم‌انداز همه باشد وسخن از صفا را در سرکوه بگوید که برج‌نور است وراه را بر رهروان حتی در طوفانها نشان میدهد پیغمبر اعظم(ص) انصار را صدا زد انصار سپاهیانی حدود ده هزار شتابان بسوی پیغمبر (ص) دویدند با لباس رزم‌آوران، پیرامون اودر دامنهٔ‌کوه صفاحلقه زدند وگوش فرامصطفی دادند که پیغمبر (ص) چه‌میگوید ؟ تازه شهر مکه را فتح‌کرده‌اند شایدحوادث تازه‌ای پیش‌آمده‌باشدلذاگوش وچشم‌سوی اودوخته‌اند.

فرمود ای‌انصار شما مگر چه‌گفته‌اید که اینك جبرئیل است میگوید شمازمزمه ازبی مهری من نموده‌ایدوگفته‌اید : (الرجل قد ادرکته رغبة ببلدته ورأفة بعشیرته)که من از دیدن فتح مکه‌ودیدار قوم وخویش‌وتبار درشهرمکه مغلوب عاطفه شده‌ام دیگر باختیار خود نیستم واز مکه وشهر مکه وقوم و تبار نمیگذرم گفتند بلی ماچنین گفتیم ولی آنچه گفته‌ایم از آن جهت گفتیم که ما را دریغ میاید ازتو که مبادا از ماچشم بپوشی و دیگر ببلاد مانیائی .

پیغمبر (ص) در برابر ده هزار چشم یا بگو بیست‌هزار چشم که باو

دوخته بسخن آمـد از سر برج صـفا چـشم انداز اهل صفا که شهـری از دشمن و دوست ناظراو و گفتار اوست فرمود من و مغلوب عاطفه شدن که از دیدن شهر مکه و دیدار خویش و تبار اینها را بگیرم و انصار رایعنی شما هارا رها کنم باآن عهد و میثاقها که باهم هستیم که از شما نصرت و از من وفاداری اگر من این کار را بکنم وآن عهد ومیثاقهای با انصارراندیده بگیرم مردم بمن چه میگویند ومرا به چه نام مینامند مگر من بندهٔ خدا و رسول خدا نیستم من باختیار خودم شمارا برنگزیدم بامر خدا برگزیدم و بسوی شما هجرت کردم و در حقیقت هجرت که بسوی شماکرده‌ام بسوی خدا کرده‌ام ومن بدیار شما که مهاجرت کردم مهاجرتی بود که بسوی شما وبدیار شما وبسوی خدا کردم آمده‌ام که آمده باشم نیامده بودم که‌مسافرت کرده‌وسفر کرده باشم من‌بدیار شما بعنوان مهاجرت آمده‌ام نه مسافرت پس بنابراین‌در زندگانی تا هستم، باشما ودرمیان شما زندگی راسپری میکنم در میان شمـا خواهم زیست تا زنده‌ام ودرکوی‌شما خواهم مرد هرموقع بمیرم‌چون‌زندگی صحیح زندگی باشما و درمیان شماست آمدم که آمده باشم و با شما باشم تاهستم ، زنده ومردهٔ من با شماباشد تازنده‌ام درمیان شماباشم ووقتی‌بمیرم در سرکوی‌شما بمیرم .

بنابراین‌پس تا زنده‌ام درمیان‌شما هستم ووقتی بمیرم درسر کوی‌شما میمیرم و درخاك شما بخاك سپرده میشوم ودرآغاز وانجام باشماهستم .

فالمحیا محیاکم والمماةمماتکم .

جمله را جملهٔ اسمیه آوردند المحیا محیاکم و نظیر آن است کـه بگوید درمیان همه اقسام زنـدگانی ومرگها و محـیا و مماة ها صحیح همان محیا ومماة شما است زندگانی زندگانی شماست که تمام زندگانی است و

کامل زندگی‌است وبرازنده ترین زندگی است وآن مردن مردن باصفا است که با شما وسرکوی شماست ومردن صحیح همان مردن در سرکوی شماست.

فالمحیا محیاکم و الممات مماتکم

زندگانی و محیاة مطلقاً همانش صحیح است و ارزش دارد که با زندگانی ومحیاة شما باشد و مرگ مطلقاً همان مرگ پسند من است که در سرکوی شما باشد . من آمدم که باهم زندگی کنیم وباهم بمیریم زیرا زندگانی صحیح و پسندیده همین گونه زندگی است ومرگ صحیح هم همینگونه مرگ است .

این مرحمت همه کوه سنگین را پوشانید تاگوئی سنگ هست و نیست وهمه رحمت است که می‌جوشد درعین آنکه سنگ است ومیماند کوه صفا بیشتر ازسنگ‌نبشته‌ها است آنجاسنگ‌نبشته‌هابجامانده‌اند وخطی را نگه‌داشته‌اند اما اینجا ازخطی که نگه داشته‌اند نهری جاری ازعاطفه و مرحمت می‌جوشد

اگر حضرت مصطفی(ص) نظرنداشت که در جبهه کوه صفا صفای او را خلق جهان با زمرهٔ انصار خود ببینند تشکیل این جلسه را درسرکوه‌صفا قرار نمیداد کـه هیچ مدال افتخاری وهیچ نشانی در هیچ سطحی بپایـهٔ آن نمیرسد ما نظیرآنرا ندیده‌ایم وهمه هوشمندان آرزوی آنرا دارند که‌پیغمبر ﷺ از سرصفا بانصار صفا بانصار اهل صفا فرمود :

المحیا محیاکم والممات مماتکم

این جمله‌عطیه‌ای است که‌هیچ نشانی ممتاز ومدال افتخاری‌این‌امتیاز را ندارد که پیغمبر اعظم اقدس محمد ﷺ در سرکوه صفا فرمود من حیاة و مماة شما را و در میان شما را وسرکوی‌شمارا برای‌خویشتن خواستارم .

زنده کدام است بر هوشیار آنکه بمیرد بسر کوی یار

این زمزمه صفا زمزمه عشق است نغمه صفا بود سخن عشق ووفا بود که ازمصطفی (ص) که کوهٔ صفااست درسر کوه صفا پخش شدکه جای‌انکار نماند و بهترین نغمه وزمزمه دلدادگی وصفا است اگر شاعر گفته :

خوشتر از زمزمه عشق‌ندیدم هرگز   یادگاری‌که دراین گنبددوار بماند

من خوشتر از این‌نغمه درزمزمه‌ها و در دیوان عشاق ندیده‌ام در معاشقات هیچیك از عشاق وعشقها سخنانی اینقدر باجاذبه ومردانه‌وعاشقانه وصادقانه دیده نشده قیس‌عامری ـ لیلی ومجنون ـ وکثیر عزة وجمیل و بثینه که شهرهٔ جهان عشقند وسخن دلدادگی آنها درپای‌عشق (شهوت جنسی) عقل راکنار گذارده‌اند اما اینجاپیغمبر عاشقانه وعاقلانه ومردانه میگویدفتح‌شهری وشهروکشوری مثل مکه‌ودیدارقوم وتباری هرچند آنقدرمرغوب باشدکه‌مثل یوسف وبرادران باشد (بواسطه عاطفه‌اخوت وبرادری که‌یادآوردند وگفتند) بازمارا ازشمانمیگیرد .

پیغمبرﷺ وقتی بامردم قریش روبرو شد پرسید ای معاشر قریش (ما تقولون ؟ وما تزعمون ؟ بئس عشیرة نبی کنتم .)

در پاسخ گفتند ما میگوئیم برادر مائی پیغمبر (ص)مجذوب‌ومغلوب عاطفه برادری شد وگفت من هم مثل یوسف وبرادران همانرا میگوئیم که (لاتثریب علیکم‌الیوم اذهبوا فانتم الطلقاء) من مغلوب‌عاطفه شدم‌که بخشیدم اما قریش‌را بخشیدم‌یعنی گناه آنهارابخشیدم‌شمارا که‌آنها نبخشیدم فتح‌شهری وکشوری‌هم‌مرا ازشما نمیگیرد .

المحیا محیاکم والمماة مماتکم

امیدوارم که‌این پیام امید که خاص زمره انصار است زمره‌اشخاص را هم بگیرد که‌ربع قرن تمام هم خود را ووقت‌خود را در راه نصرت‌دعوت

اسلام گذرانیده‌اند ومثل علامه رضوی شاخص آنها است که پیغمبر راستین مشتاق است محیا و مماتش باآنها باشد .

همه مسلمین در نماز عید اضحی وفطر از خدا میخواهند که محیا و مماة آنها با محیا ومماة محمد وآل‌محمدباشد .

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس‌است وآل‌محمد

اما محمد خودش خواستار است که محیا و مماة او آمیخته بـا محیا ومماة انصار باشد آنکس که همه‌اهل‌عالم باید محیا ومماة او راآرزو کنند او محیا و مماة برازنده اهل مدینه را ایده‌آل خود میداند وآرمان‌خود حساب میکند .

این دوجملهٔ اخیر برای انصار آنقدر محبت خیز و شورانگیز بودکه طوفانی از احساسات برپاکرد و انصار که دیدند پیغمبر ﷺ بغل بازکرده آنهارا درآغوش خود میخواند های های بگریه افتادند روح قشون خشمگین بگریه آمده بگوش خود می‌شنوند آنکس‌که همتش از جنت‌فردوس هم‌بالاتر است وبه بهشت جنت‌اللقاء واعلی علیین پرواز میکند می شنوند که بآنان و آشیان آنان مدینه آنقدر اظهار دلدادگی میکند که زندگانی ومرگ باآنان را آرزو میکند و آرمان خود میشمارد برازنده‌ترین زندگانی و برازنده ترین مرگ میداند اینقدر صفا را جزکوه‌صفا حمل نمیکرداین صفارا هم‌برای‌زمره انصاراسلام ابرازمیدارد هرزمان باشند وهرمکان باشندمثل (الکاتب متحرك الاصابع) تعلیق حکم بروصف مشعربعلیت‌است این صفا هرگاه برای ما(دور افتادگان) از سرکوه صفا با ضؤ وپرتو نورنثون روشن شود چشم‌جهان بآن خیره شود وحکومت حجاز تقصیر میکند که مشعل فروزان آنرا درجبهه‌کوه صفا روشن نمیکند .

سخن کز بهر حق گوئی چه عبرانی چه سریانی

مکان کز بهر حق خواهی چه جا بالقا چه جی برصا

این وفا است که اهل وفا وعشاق وفا پیشه باید از آن وفاباد بگیرند حتی لیلی و مجنون شعرا هم بهتر از این با صفا تراز این یا باین قدر کسمه مهری نگفته‌اند.

کجا از کلمات مهرانگیز عاشق یا شاعری اینقدرمهر با طراوات فرو میریزد آنهم درعین قدرت. مقتدرین فاتح درهنگام فتح کمتر مهر میورزند.

بایددرقبله‌وجبهۀقبله هرموقع ارباب ایمان‌به حج میروند ودرهرموقع بقبله رو میکنند این صفا را در نور نئون ببینند وگرنه دولت مسلمین‌درحجاز بگذشته وآیندۀ مسلمین ظلم کرده‌که نمونۀ آرمان بلند مصطفی‌رادرچشم‌انداز لشکرهای امروزی مسلمین که مهمانان رسول خدایند نمیگذارند اگر ظلم و تقصیر نیست قصور است.

شکوائیه ما از حکومت‌حجاز این است که‌این برقهای درخشنده را خاموش‌کرده‌اند. وخاموش نگه میدارند. باید از دستور قرآن که میگوید (اتخذوا من‌مقام ابراهیم مصلی) باید از مقام خلت محمد مصطفی درسر کوه صفا هم اتخاذ سندکنند. ازمقام ابراهیم رمز دعوت ابراهیم را بیابندابراهیم بت‌شکن بود قرآن میگوید ازمقام ابراهیم برای خود مصلی بسازید بایدبرای تربیت عسگری مسلمین واطمینان نفوس قشون. قیام مصطفی‌ومقام مصطفی‌را در رژه ودفیله درنهاد تاهمه بنگرند که قشون خشمگین وروح غضوب قشونی را این‌مهر و بزرگواری مصطفی ﷺ آنها راچنان نرم‌کرد ودرفشار نهادکه

از شفقت گریه کردند کانون مهرانگیزی که آهن و فولاد که عنصر مردان کارزار است با آن نرم شد. باید در سر کوه صفا از محمد مصطفی برای صفای بانصار دیده شود که از آن منظره‌ای مهرانگیز ترنیست و باطراوت تر نیست.

وانصار هم منحصر بانصار عصر رسول خدا ﷺ نیستند.

بلی منظرهٔ یکساعت پیش که درپیرامون خانه خدا از قریش و گریه آنها بر پاشد مستغرب‌تر است منظره مستغرب تراست اما نه برای مهربانی با شبیه انصار ویاوران بلکه برای عفو از مجرمان آنجا پیرامون خانه خدا نمایش از عفو مصطفی یا نمایشنامه‌ای از عفو مصطفی از دشمن مغلوب مجرم درهنگام فتح باسطوت قشون غضوب برپاشد که منظره‌ای از آن مستغرب‌تر نیست که حتی قشون اهل مدینه از آن عفو پیغمبر از اهل مکه هاج وواج شدند.



مسجدالحرام موج میزند از اسلحهٔ آهن و فولاد که برتن قشون اسلام است ازطرفی وازطرف دیگر قریش مکه پناهندگان کعبه و مسجدالحرام دوهزار نفرند که در برابر خانه کعبه بصف ایستاده‌اند و همه چشم و دیده بطرف خانه کعبه دارند که پیغمبر ﷺ از درون آن درآید و فرمان دربارهٔ آنها صادر کند و آیا چه فرمان درحق آنها صادر کند مردم قریش وحشتزده بصف ایستاده و همه هستی خود و شهرخود را بسته بامری میدانستند که پیغمبر ﷺ الان صادر کند و با آمادگی ده‌هزار شمشیر انتقامجو اجراء شود.

دیدند پیغمبر ﷺ ازخانهٔ کعبه در آمد و آیه‌ای را راجع بتساوی نژادهای امم تلاوت کرد وخواند وبعد لب گشود وفرمود ای معاشر قریش بد همسایگان و بد عشیره پیغمبری بودید تا بودید از آزار واذیت فروگذار نکردید

تا مرا ازاین دیار راندید بعدهم که من بشهر و دیار دیگر رفتم مرا در مدینه بحال خود رها نکردید بتعقیب من آمدید لشکر کشیدید برسرمن تاختید وچیزی را فروگذار نکردید یعنی من بعلاوه از آنکه حق تقاص وانتقام دارم شماهم احترام خون و مال ندارید چون در حرم احترام دماء و اموال را مراعات نکردید پس جادارد که مردانتان محکوم بمرگ و ذبح و کودکانتان اسیر و خانه‌هاتان تصاحب واموالتان نصیب لشکر فاتح شده مزد پای اوست قانون تحریم توراه‌چنین است قوهٔ اجراهم آماده شنیدن حکم است .

ولی پیغمبر صلی الله علیه وآله از درخانه کعبه درآمد قبله اسلام را که برای همیشه چشم‌انداز مردم جهان‌است‌خواست چنانچه‌قبلهٔ‌عبادت است‌قبلهٔ‌رحمت‌هم‌باشد وجنگ اسلام هدف مقدس ومقصدش در قبله جلوی رو که هرروزجلوه‌میکند عدل ورحمت باشد ونشان میدهدکه‌هدف جنگهای‌ما عدل‌است نه غلبه بلکه‌نه تنها فقط عدل است و بس ، بلکه‌رحمت است حتی برمجرمین اگر خلع سلاح باشند ورحمت اساساً فوق عدل‌است .

لذا از دل آنها پرسید یعنی ازقریش مجرم پرسید که دل شما چه میخواهد اینك من با شما چه معمول دارم وچه رفتارکنم ؟ فرمود ای معاشر قریش الآن چه میگوید وچه گمان میبرید که باشما رفتارکنم ؟

مثل اینکه میخواهدآنهاتقاضاکنندخودش بآنها یادمیدهد بدهن آنهامیگذارد که عفو رابخواهیدتوقع مرحمت‌بکنیدمعلوم‌است‌دل‌خاق عفوورحمت را میخواهد نمایندهٔ مردم مکه که برصف ایستاده بودند سهیل‌بن عمرو بود که لب شکری (اعلم) بود بسخن‌آمد و گفت و دیگران از زبان او گرفتند و گفتندماميگوئيم برادر ارجمند مائی برادرزادهٔ ارجمند مائی (نقول اخ‌کریم وابن اخ کریم)

یعنی جز از معامله برادری وسلوك برادرانه ازتو (هرچندسلطان زمانه شده‌ای) توقع وانتظاری نداریم.

این کلمه را گفتند ومنتظرتأثیر آن شدند ازکلمهٔ برادری پیغمبر(ص) بیاد برادران یوسف افتاد که آنها هم برادر بودند ولی کارها کردند که گرگهاهم نکرده بودند آنان هم برادر بودند اما هم زدند وهم‌بچاه‌افکندندو هم یوسف را فروختند آنهم بقیمت پشیزی (هفده درهم) وهم از خانه پدر و کاشانه وطن بدور افکندندوقریش کمتر ازآنها نکردند بلکه صد درجه‌بالاتر و افزونتر ازآن کردند.

برادران یوسف فقط دو روزگرگی کردند اما قریش این برادران جفاکار سیزده سال درمکه وهشت سال در مدینه با خنجر و شمشیر به تعقیب این یوسف بودند و جگر پیغمبر را از پهلوی حمزه سیدالشهداء و هفتاد کشته دیگر درآوردند بطوریکه کوه احد بناله‌درآمد ازکشتگان احد کاسه سریکی ازآنها را به مکه بردند وبا آن شراب میخوردند لکن اگر آنهاگرگی بیشتر کردند پیغمبر اگر عفوکند کاری بزرگتر از کاریوسف کرده بنابراین کلمه‌ای فرموده که یاد یوسف وبرادران گرگ صفت اورا بیاد آورد گرگی آنها را متضمن بود وفرمود؛ من هم آنرا میگویم که یوسف ببرادران فرمود.

گفت: هیچ نکوهش امروز متوجه شما نیست تاگوئی نقطه‌سیاهی در پروندهٔ شما نیست بروید آزاد راهتان باز بهرسو خود بخواهید راه بازاست وآزادید یعنی علاوه بر آنکه بحیات شماوهستی ودارائی شما نظرمرحمت شد ازتأدیب شما وتبعید شما از مکه و هرگونه محدودیت شما هم صرف نظر شد آزادی مطلق دارید بهرجا بروید راهتان باز است (اذهبوا فانتم الطلقاء) از این کلمه

مهرانگیز که نام یوسف وبرادران را برد صحنه‌های کارهای برادران یوسف بااین نابرادران وخویشان بیگانه نما وبیگانگان خویش‌نما جلوه‌گر شد و از عفو آن یوسف باعفو این یوسف نجد و حجاز طوفان احساسات برخاست وصدای گریه ها (های های) بآسمان بلند شد چون تجدید حیات برای خود از نو دیدند گریه‌ها سَر دادند تاآنکه گوئی‌مکه دراین موقع صحنهٔ قتال و تلاقی دو لشگر رزمجو نیست که بانتقام قیام کرده باشد بلکه صحنهٔ لقاء و بزم‌وصال دو برادر هجران دیده است و برادران بهم رسیده‌اندوعشاق گریه‌شوق‌میکنند الله اکبر گوئی‌در مسجدالحرام ومکه و بلدالامین شهپر عشق ازآسمان‌برمحیط دشمن و دوست سایه‌افکنده نه‌آنکه‌لشگری‌توانا مسلحانه دشمن‌را ذلیلا نه‌زیر پر گرفته که‌درموقع‌دیگر گرگ‌صحرا باو نمیرسید، گوئیا پیغمبر رحمت‌للعالمین صلی‌الله‌علیه‌وآله مأمور است که بر جبههٔ قبله که مسلمین پنج نوبت با آن‌برابر روبرومیایستند تا ازآن الهام بگیرند خطوط تلاقی‌قدرت ونیروی مسلمین را بادشمن، از نظر هدف کعبه وقبله‌نمایان کند که جنگ‌قبله هم برای هدف صلح استو رحمت تاهر روز مسلمین در استقبال قبلهٔ خود علاوه برقبله نماز وعبادت قبله جنگ اسلام راهم از نظر هدف آن نیز هم بنگرند وازنظر دور ندارند خواه در این قبلهٔ ثانوی (مکه) وخواه در قبلهٔ اولی‌بیت‌المقدس که بعکس‌صلیبیهاوصهیونیسم وبعکس میدانهای پر وحشت جنگ آلمان یا ژاپن یا شهر هیروشیما یا مسکو وناپلئون که همه شهرها بآتش کشیده شد یا امریکا در ویتنام وکره‌و سایر ملل غالب و مغلوب که آتش سوزی و کشتار و خون با آه وناله و فغان اززمین‌آنان به‌آسمان بالامیرود.

جنگ اسلام و فتح اسلام را در قبله‌اش بنگرند که دوسپاه رزمجو

و مخالف؛ گوئی در تلاقی عسگرین برای عذرخواهی از یکدیگر آمده‌اند مثل برادران یوسف که با یوسف تازه بهم رسیده میگریند گریه شوق یا گریه نوازش؟



پیغمبر (ص) هردو لشگر را هرکدام در نوبه‌ای آنقدر مینوازد تا بگریه میافتند باندازه‌ایکه معلوم نیست فوج آهن است یا موج عاطفه؟ لشگر مسلح است یا افواج دعا؟ قشون خشم آلود خشمگین‌اند؟ یا برادران هجران کشیده. ؟

آن یك لشگر مدینه انصارند که از مدینه تا اینجا زیر لباس جنگ پیراهن اسلحه پوشیده خودرا دردامن کوه صفا میبینند که آنقدر صفا است که آنهارا از شوق بگریه میاندازد های های گریه به آسمان میرسد.

وآن دیگر: لشگر دشمن یعنی قریش واهل شهرمکه است که آنها را از فشار تنگنای خجلت و لب پرتگاه فنا بر میگرداند و زمزمه‌هائی ازکار یوسف بخوبی و کاربرادران یوسف به(بدی) بیادمیاورد و بعدفرمان عفو میدهد آنهم بدون نکوهش که ذکر جفابعد ازصفا جفااست تا اینهاراهم بگریه میاندازدهای های گریه به آسمان میرسد. اما تفاوتی عمیق بین انگیزهٔ این دو گریه است.

(۱) آن گریه اهل مدینه انصار از ژرفای عشق و اتحاد بود و گریهٔ اهل مکه برای پوششی از عفو بود.

(۲) گریهٔ اهل مدینه از شدت صفا بود ولذا از سر کوه صفا صدای صفا بر میخاست و اما گریهٔ اهل مکه برای عذر ازجفا بود.

(۳) گریهٔ لشگر مدینه گریه شوق پس از وحشت ازفراق بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله همراهان اهل مدینه یعنی انصار را اهل صفا میداند.

لذادردامن کوه صفا وسرکوه صفا بر قلهٔ صفا بر شده همراهان رابا

کلمات برگزیده مصطفی بمهر خویش چنان بخود نزدیك میکند که گوئی در خود میفشرد وخود را در آنها میفشرد چنانکه زمزمه وحدت حیات و ممات (محیا و مماة) خود را با آنها میدارد و میگوید من باید در سر کوی شما باشم وزندگانی کنم (تا زنده هستم) وباشما و درمیان شمابمیرم (وقتی که میمیرم)چون زندگانی صحیح آن زندگانی است که شما بامن و من باشما باشم و مردن خجسته وفرخنده آن مردن است که در سر کوی‌شما کس بمیرد

(فالمحیا محیاکم والمماة مماتکم)

اما در گریه اهل مکه جفا کار که دست ازجفا کشیده‌اند عفو بدون نکوهش گریه‌آورده‌خلق‌مکه با یأس وبعد از یأس ازهمه چیز؛ بانجدید حیات روبرو میشوند ولذا های های گریه میکنند.

(٤) گریه اهل مکه از شوق آنکه وجود خود را باز یافته‌اند و اما گریهٔ انصار مدینه برای‌آنکه محمد را برای‌خود یافته‌اند.

(٥) چقدر فرق است بین آنکه خود رابعد از یأس کلی باز یافته و گریه از شوق میکند و بین آنکه محمد رابرای خود یافته و گریه میکنند.

(٦) انصار دین محمدایام عمر خود را داده‌اندو محمدراگرفته‌اند که از آن جمله علامه خطیب‌آل محمد علامه سید عباس رضوی ربع‌قرن خدمات او وخدمات سه‌ربع قرن دیگران‌از انصاردین خدا ـ اگر $\frac{1}{1000}$ برابری کند با یکهزارم‌خدمت ده‌سال‌انصارمدینه‌دور نسیت که‌رسول‌خدا ﷺ محیاو مماةخود را با آنها و محیا و مماة آنهارابا خویشتن بخواهد و محسوب دارد محمد ازآنهاست.

***

پس‌از یکماه دیگر این مطلب را بطور تکمیل روشن فرمود که گفت

(لولاالهجرةلکنت امروءآ من‌الانصار)

و فرمود : (لوسلك‌الناس وادیا وسلك الانصار شعبا

لسلکت‌مسلك‌الانصار)

و باز فرمود : (انتم‌الشعار وسایرالناس دثار)

همینکه‌رسول خدا ﷺ بعد از فتح مکه از همانجا با لشکر ده هزار نفری خود بجنگ هوازن رفت دوهزار نفر از مردم مکه قریش هم همراهی کردند ودروادی جعرانه همینکه غنائم هوازن را بر سپاه تقسیم کردند بهریك از انصار چهار شتر مرحمت کردند و بقریش که همراه آمده بودند صد شتر صد شتر داد.

آن عطای گران‌و سنگین را بقریش‌دادوبانصار عالیمقدار بهره‌نیفتاد قبیلهٔ انصار در دل رنجیده خاطر و آزرده شدندمردمی از انصار ازغیر منافقین گفتند خدا برای رسول خدا ﷺ بیامرزدکه قریش را عطیه میدهد ومارا رها میکند با اینکه شمشیر آنها هنوز از خون ما می‌چکدوچکیده یا شمشیر ما از خون آنها میچکد والبته‌این عجب است درموقع شدائد وسختیها ما را صدا میزنند و دعوت‌میکنند ولی غنائم بدیگران عطا میشوند ـ دوست داریم بدانیم وآگاه باشیم که این طرزتقسیم از کیست؟اگر از جانب خدااست ما صبر میکنیم واگر از پیغمبر است ما او را عتاب میکنیم یعنی استیضاح میکنیم؟ این گفتگو به پیغمبر ﷺ رسید قال و مقال زیادشد جوانان خام ناپسند آنان گفتند پیغمبر (ص) بقوم وخویشان خود رسیده(یعنی‌سر از پانمیشناسدمیخواهد همه پذیرائی از قوم و خویشان‌خود بکند) باآنکه هنوز خون مشرکان‌ازدم‌تیغ

ما میریزد و کارهای دشوار را بدست ما سهل میکند و ما را مکانت آنها نمیگذارد .

غافل از آنکه آن عطیه و بذل برای مکانت قریش و یا خویشاوندی آنها نبود بلکه محض برای همان بود که جبران خونهائی باشد که از دم تیغ انصار ریخته شده بود .

بروایتی «سعدبن عباده» که رئیس لشگر انصار خزرج بود در آن میان وقتی آزردگی آنهارا دید برای جبران و اصلاح امر افسردگی لشگر انصار نزد پیغمبر (ص) آمد و گفت یا رسول‌الله لشگر انصار عالیمقدار از این بذل بیدریغ فراوان که بمردم تازه مسلمان قریش مکه که همراه ما آمده بودند داده شد و انصار را بهره‌ای از آن نبود خشمگین‌اندیا آزرده‌اند یارنجیده‌اند:

یا رسول‌الله این قبیله انصار (حیّ ما) سخت دل آزرده شده‌اند و رنجیده‌اند و چنین وچنان گفته‌اند که رسول خدا (ص) به قوم وخویشان‌خود رسیده برای خاطر این غنائمی که بدست آورده وبه قوم وقبیله تازه مسلمان خود قسمت فرموده‌ای اما این قبیله «حیّ انصار» (لشگر پا برجای تو) بهره‌ای نداشتند .

رسول خدا (ص) فرمود ای سعد عقیدهٔ تو چیست : تو خود درچه حالی ؟ یعنی توهم که رئیس انصار هستی تو هم ناراحتی ؟

سعد گفت یا رسول‌الله من هم یك فرد از قوم خویشم یعنی صورت صحیحی ندارد که قوم من ناراحت باشند ومن بناراحتی آنان اعتنا نکنم‌یعنی هرچند خودم غنی باشم‌وبغنائم نظری نداشته باشم شایدسعد برای آنکه‌تسکین ناراحتی همه را میخواست برای اصلاح حال عموم صلاح بود که خود را

همدرد نشان دهد بعلاوه از آنکه خود سعد بخصوص ازمردم مکه صدماتی دیده بود درموقع بیعت اهل مدینه با پیغمبر که در عقبهٔ منی در مکه شبانه و مخفیانه انجام شد سعد درآن میان گرفتار مردم مکه شد و لطماتی زیاد از اراذل واوباش دیده بود گوید هرکس میرسید مرا سیلی میزد تا عاص بن وائل باللباس نو و نوار و سیمای باز مردم را شکافت من تصور کردم اومرد شرافتمندی است شاید مرا نجات دهد ولی او سیلی برخسار من نواخت که ازهمه سختتر بودتامن براهنمائی دکانداری (ابوالبختری) نام دونفرازهم پیمانان خودم را از قریش صدازدم اودوید درمسجدالحرام آنان راخبر کردتا آمدند مرا رهاکردند .سعد دراین گرفتاری این صدمه و آزار را ازقریش دیده بود و بقیه سالم بمدینه باز گشتند و در جنگ احدهم کشتگان از قبیله سعد سی و چهار تن بودند که جزع خزرج ازکشته شدن آنها تاآسمان بلندبود و اکنون سعدغیور درقسمت غنائم نگریست که به اهل مکه تازه مسلمان آنقدرعطیه داده شد که شهرمکه راپراز شترو گوسفند ونقدینه کرده ومیکند واو وقوم او اکنون سه ماه است تقریباً زیر پلاس اسلحه جنگ مانده تالباسها پلاس شده واکنون بهر یك از او وقوم اوچهارشتر داده شدحالیاکه بقریش هرکدام صدشتر صدشتر داده شد واوناظر قضایاست .

گذشته ازآنکه سعدبن عباده مورد بی لطفی هم شده ودروقت ورود لشگر انصار بشهر مکه پیغمبر (ص) پرچم رااز این سعدغیور گرفت وبعلی بن ابیطالب دادو بعد به پسرش قیس بن سعد واگذاردباین ملاحظات سعد گفت منهم یکتن از قوم خویشتن هستم پیغمبر(ص) فرمودای سعدپس دستور بده که درحظیره ای از ازاین حظیره ها سراپرده ای برپاشود وقوم خودرا امربده که درآن حظیره و خیمه

جمع شوندودر آن مجمع غیراز آنهانباشدپس رسول خدا (ص) امرفرمودقبه‌ای از تیماج در آن حظیره برپاکردندو آنهارادر آن قبه که از نوع سراپرده ملوك بافرشهای ملوکانه بودجمع کردند همینکه جمع شدند رسول خدا(ص) راخبر دادند و قبه تیماج در وسط حظیره برپاشد (حظیره جایگاهی است که راه برای همه کس در آن باز نباشد) مقصود آن بودکه ازتازه مسلمانهای مکه کس در آن میان نباشدکه راجع بآنها سخن است .

طبری گویدچندتن ازرجال مهاجربن آمدند مانع آنهانشدند ولی دیگرانی آمدند آنهارارد کردند همینکه اجتماع تشکیل شد سعدبن عباده نزدرسول خدا (ص) آمدو گفت این قبیلهٔ انصار همگی مجتمع شده‌اند وبرای درك شرف حضور شما انتظارمیکشند آری فلك انتظار میکشد درزیر قبه آسمان چنین قبه‌ای ببینند.

آسمان رشك برد بهرزمینی که در آن، دوسه یاری دوسه دم بهرخدابنشینند

اگرقبه تیماج است از رواق اسکندریه بارونق‌تر است ودرس رحمت و حکمت و حکومتش پاینده تراست .

واگر این سراپرده ملوکانه است خیمه نشینان آن ملوك عقلند که در این سراپرده انجمن کرده‌اند درس حکمتی در اینجاگفته میشودکه دراستحکام بنیان ازآهن وپولاد محکمتراست چون از عاطفه گل آن عمل آمده هیچگاه از هم نمی‌پاشد .

بس کاخها خراب شد و بیستون بجا است بنیان عشق بین که چسان محکم افتاد .

رسول خدا (ص) باتفاق علی علیه‌السلام به سراپرده وارد شد و در حلقهٔ اصحاب وفاباصفا نشست وبعد ازآن حمدخداوند وثناء ذات اقدس کبریائی را

کرد- بعد فرمود ای معشر انصار این چه سخن است که از شما شنیده شده است؟ فقهای انصار گفتند یارسول‌الله صاحبان رأی ما چیزی نگفته‌اند و امانوباوگان جوانان نوخواسته گفتند خدا برای رسول‌خدا (ص) بیامرزد که قریش را عطامیکند وما را وامیگذارد باآنکه آنها بقوه شمشیر ما مسلمان شدند شمشیرهای ماازخون آنها میچکد یعنی تازه شمشیرما از آنها برداشته شده است و تااین اخیر بااسلام مبارزه میکرده‌اندیامیخواستندبگویند باخونریزی تازهٔ شمشیر ما، تقویت آنها برای ما خطربارمیاورد . اینان از کلمه‌ای که گفته بودند پیغمبر (ص) تازه بقوم و خویش خود رسیده سختی نگفتند ولی پیغمبر ﷺ پاسخ از هردوجهت داد.

هم آنان را ازجهت بخشش بیدریغ بتازه مسلمانهای قریش آگاه کرد.

وهم از کلمه خویشاوندان خود جواب بآنها داد و روشن کرد که من از قبیلهٔ شما هستم و بندپیوند خود را تاابد روشن کرد اینجا نغمه‌های مشتاقانه‌ای در میان آمد که اشکها بدنبال آورد وبقدری دلدادگی وصفابآنهاابراز فرمود که هیچ فرمانده مقتدری باسپاه خود اینقدر دلدادگی ابراز نمیکند.

ولی نخست انصار عالیمقدار را بطور حکیمانه آگاه کرد که من رحمت برای شما هم بوده‌ام و آیات رحمت را آنقدر برآنهاخواند که آنان از خجلت دیگر سکوت کردند و سربزیرافکندند.

***

سخن در انجمن انصار .

رواق علم ونبوت .

رسول خدا (ص) قیام کردو معادلات عاشقانه باانصار را بیان فرمود و ابتداسخن را ازاینجاکرد .

فرمود: ای انصار اولا ـمن بـه دیار شما آمدم وقتی کـه شما بکنار کوهی از آتش بودید خداوند بوسیلهٔ من شما را از آتش ایمنی داد و بنور من هدایت نمود.

گفتند: چنین است خداو رسول راحق منت و طول است یعنی از عهدهٔ شکر آن برنمیائیم.

ثانیاً آنگاه دشمنان یکدیگر بود ودرهلاك یکدیگر می کوشیدید خداوند به برکت من شمارا دوستان یکدیگر ساخت وپشتوان یکدیگر فرمود.

۳ـو آنگاه درچشم اهل دینا قلیل واندك بودید یامی نمودید خداوند شما را ببرکت من کثرت وعدّة داد درچشم اعداء عظمت نهاد.

٤ـو آنگاه شما مسکین وفقیر بودید و کارمعاش رابه سختی میکردید خداوند ببرکت من شما راغنی و توانگر کرد تا روزگار شما بـوسعت و رفـاهیت بداشت اینك چراسخنان مرا پاسخ نمیگوئید؟ گفتند: ما به چه جواب بدهیم که خداوند ورسول (ص) حق منت وفضل برمادارند اینها رحمتهای سابق بود که بیسابقه انجام شد رسول خدا(ص) بعد فرمود بلی شما اگر بگوئید کـه یا رسول الله توهم اولا.

۱ـوقتی بدیار ما آمدی که قوم تو ترا تکذیب میکردند دروغگو قلمداد میکردند وماترا تصدیق کردیم.

۲ـوقتی بدیار ما آمدی که بیکس وبی غمخوار بودی مـاترا نصرت و یاری کردیم.

۳ـوقتی بدیار ماآمدی که رانده از وطن و هر دری بودی ماترامأوی دادیم ودربروی توباز کردیم ومأمن برای توشدیم.

۴ـ وقتی بدیار ما آمدی که تهیدست بودی ما دارائی خود را هرچه داشتیم باتو در میان گذاشتیم.

۵ـ وقتی بدیار ما آمدی که خائف و بیمناك بودی ماترا ایمن نموده آسوده خاطر ساختیم.

چون این سخنان اعتراف آمیز بزبان پیغمبر (ص) رفت بیکباره از انصار گریه (های های) بالا گرفت و مشایخ قوم برخاسته به دست بوس پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شتافتند زانوی مبارك اورا بوسه میزدند ومیگفتند ماشرمنده‌ایم و ازخدا و رسول (ص) شادکام وخرم هستیم.

اینك اموال خاص مرا بذل فرما ماطاعت ترادوست داریم نه حطام دنیارا وازجدائی تو بیمناکیم نه از بضاعت مزجاة.

رسول خدا (ص) آنگاه توجه سخن رابه مال وبذل بیدریغ آن فرمود.

فرمود ای معاشر انصار آیا دردل آزرده و رنجیده‌اید که مابابذل این (لعاعهٔ مال) (یعنی کاسنی سبز تازه روئیده) (که به بیمار صفرائی میدهند تاخون اورا صاف و تب اورا قطع کند) ماتب هذیان قریش راعلاج کنیم و کردیم.

برای دل مصیبت کشیدهٔ قریش وشکست خورده قریش من مال رادادم خودم راکه ندادم شمارا که هم ندادم من دل رمیده قریش را «الفت» میدهم مگر نه این قریش همان قریش اند که تااین آخرها حامیان بت پرستی بودند. تا دوماه پیش وبه مصیبت کشتگان خود وداغ آنها شیون میکردندمن خواستم بااین مال برای ایشان انصراف خاطری باشد وقلوب ایشان را باایمان الفت دهیم امابشما سروری وقیادت وهمتائی باپیغمبروامتیازات دیگرداده شده است.

***

سخنان عاشقانه بانصار .

وانگهی ای معشر انصار اگر تقسیم هم باشد کفه قسمت شما باز سنگینتر است بازقسمت شما کمتر از قسمت آنهانیست من درقسمت شماهستم وشترها وگوسفندان درقسمت آنان است .

ای معشر انصار آیا بی رغبتید باین تقسیم که دیگران باگوسفندان وچهار پایان به خانه خود برگردند و شما بخانه خود برمیگردید حالیاکه در سهم شما رسول خدا ﷺ میباشدو بخدا قسم آنچه شما بآن بخانه بازمیگردید نیکوتر است از آنچه آن مردم باآن بخانه خودبازمیگردند.

این سخن دلنواز که میگوید .

اولین امتیاز :

مرا درقسمت خودبه منزله گوسفندوشتر درحساب آرید افتخاری است که فوق وحدت محیا ومماة است ازفرط بزرگواری تواضع راباقشون انصار خود بحد غیرعادی میرساند وبگونه کالا در میاورد .

اینگونه تواضع فرماندهان مقتدر باسپاه خودنیست بلکه تواضع خاضعانه وخاشعانه است که ازفرط فروتنی قدرخود را ندیده میگیرد وخود را همسنگ باکالاهای دنیا وهم لنگه وهم کفه باگوسفند وشتر میکند وبرای خاطر محبوب خود و برای ارضای محبوب خویشتن تا این حد خود را تنزل میدهد که گوئی میگوید من بجای شتر شما وگوسفند شما ومیگوید آیا راضی نیستند به این تقیسم ؟

این تشریف برای انصار از مدال افتخار محیا و مماة مشترك بزرگتر

و والاتر و بالاتر است بعدتشریف دیگری والاتر وبالاتر به انصار عالیمقدار میدهد میگوید :

امتیاز دیگر : (۲)

من افتخار میکردم و میکنم به «هجرت» که پیوند خویشاوندی قریش ووطن را قطع کرده‌ام و بـه این قطع پیوندکه نامش «هجرت» است میبالم و اگر این جهت نبود که باید در پرونده من این افتخار هجرت (بنام قطع رابطه باقریش در راه خدا) باشد من از انصار می‌شدم . من از کلمهٔ هجرت و نام هجرت آنقدر خرم و شادم که از افتخار آن نمیتوانم بگذرم واین کلمه هم اشعار بقطع رابطه باوطن واهل وطن دارد و اگر این جهت نبود من مردی ازقبیلهٔ انصار بودم وبه آن مفتخر ومباهی میبودم .

حتی آنکه به تعبیر اهل عصر من در شناسنامه انصاری الاصل میشدم شناسنامه‌ام را ازشمامیگرفتم.

امـتیاز دیگـر (۳) :

چه آنکه انصار ذخیرهٔ آب حیات من‌اند وذخیره گاه من‌اند وادامه حیات باآب است ، کلمهٔ آب حیات وذخیره آبحیات ترجمه لفظ (کرش) است و در ترجمه اغراقی نیست زیر آب (کرش) برای شتران کاروانیان در راههای دور دراز بیابانهای بی‌سروته ضامن حیات آنهاست .

آخرین رمق حیاتی را باآن برای خودحفظ میکنند وبرای همین هم آن آبرا در (کرش) دخیره‌اش میکنند وگرنه درجاهائی که آب فراوان است از آن استفاده نمیکنند تامگر دربیابان که ازتشنگی جان به لب رسیده از آب آن تجدید حیات میـکنند کرش تعبیر از ذخیره گاه آبحیات است ذخائر حیوتی

اسلام حتی تا عصرما تا حدی ازآن جویباراست .

مراد ازآب حیات شخص پیغمبر(ص)تنها نیست بلکه حیات‌او و دستگاه خانوادهٔ او وحیات اودر مظهر اعظم که حیات کل (امت) باشد ذخیره آب حیات ورمق آخر حیات اسلام ازانصار تهیه‌شد باانصار و بعد باابناء انصار وابناء ابناء انصار دراصلاب وآباء وارحام امهات تا روز قیامت .

پیغمبر (ص) درحق انصاردر آخردعاکرد که.

اللهم‌ارحم‌الانصار وابناء الانصاروابناء ابناءالانصاررحمت‌رابرای‌آنها خواست رحمت که هدف ما و هدف اعلی خلقت و هدف اعلی نبوت است برای‌آنها و ارحام امهات واصلاب آباء آنها دراین‌دعاخواست ازاین‌جهت خواست‌که نه تنهاکرش وذخیرگاه‌آب‌حیات شخص‌او(ص) باشندبلکه‌رحمت سرشار امت در جوی خاندانهای‌آنها تا قیامت روان باشد سلسله خاندانهای قیس‌بن‌سعد انصاری و ابوایوب انصاری وجابر انصاری وابن حزم انصاری که همه پشت درپشت حامل امانت نبوت‌یعنی حدیث وسنت‌بوده‌اند همه‌ازآن جویباراست حتی‌شیخ مرتضی انصاری وخاندانهای انصاری های شرق‌وغرب همه ازآن جویبار است‌که‌کرش و ذخیرگاه‌آب‌حیات پیغمبر اعظم‌اند .

ذخائر حیواتی اسلام حتی‌درعصر ما تاحدی‌از آن جویبار است و بیجا نگفته‌ام اگر علامه رضوی را از انصار درحساب آوردم‌وکمیته و افـراد و اعضای‌این‌انجمن‌راازذخائر آبحیات‌پیغمبر(ص)بدانم.

پروردعالم دین‌خاك سرکوی‌شما   در حق آل‌نبی معرفت اینست‌مرا

شئون دیگر انصار .

انصار صندوق سرمن‌اند انصار مخزن‌و صندوق‌اسرار وجامه‌دان‌من‌اند

و شخص از صندوق اسرار خودنمیتواند جدا زندگی کند.

صندوق اسرار را به‌عربی (عیبه) گویند.

عیب‌پوش است زیرا اسرار را هرگاه بیرون افکند عیب و خالل در کارها رخ میدهد.

امتیاز دیگر :

بعدفرمود انصار «شعارند» و دیگران «دثار» شعار لباس تن‌پوش زیرین است که تماس با شعر و موی بدن دارد ولی دثار روپوش است . و تماس با بدن ندارد .

انصار مثل پیراهن ملاصق با بدن و جامه درونی من‌اند با بدن من ملاصق وچسپیده‌اند و دیگران جامه‌رو ثین و در درجه‌دوم وغیر ملاصق با بدن من‌اند .

زمزمه‌ای از همبستگی بایکدیگر مثل لباس و تن بهتر نیست صورت همبستگی تن با لباس ولباس باتن چنان است که اشاره به‌هر کدام اشاره به‌آن دگر هم هست پیغمبر (ص) میگوید اشاره بمن اگر بکنند و مرا هدف کنند اشاره به‌شماست و وشما هدف شده‌اید واگر اشاره بشما بکنند وشما هدف شده‌اید اشاره بمن است و من هدف شده‌ام . لباس تن‌پوش اگر از تن جدا شود بدن در معرض هجوم است اتصال بدن با لباس بیشتر از اتصال با صندوق جامه‌دان است.

من وشما باهم پرواز میکنیم شما اینك چونان لباس تن من درمقام بلند افق علی باهم هستیم اگر فتح کرده‌ایم صحیح است که بگویند شما کرده‌اید اگر بخشیده‌ایم صحیح است که بگویند شما بخشیده‌اید.

امتیاز دیگر آنکه :

اگر مردم راهی را هموار در پیش گیرند و انصار راه سنگلاخ را انصار براه پرپیچ و خم و دردره وماهور بروند ومردم دیگر در راه وادی بروند که

راه‌هموار است.

من‌راه انصار راه پرسنگلاخ و دره وماهور انصاررا میروم .
سخنی از این‌عاشقانه‌ترنیست که میگویدمن‌درکوه ودره بدنبال‌آنان روانم پس باقی‌مانده دعاء رحمت‌برانصارکه پسران‌آنان وپسران‌پسران انصار راشامل شودزیرا این‌آبی‌از رحمت که‌آنها درجوی‌کرده‌اندبه نسلهای بعدوبعدازبعدهم میرسد وچون‌هرآبی‌دراین‌جویبارمیرود ازاین‌آبی‌است‌که شمادرجوی‌کرده‌اید بهتراین است‌که دعاوخاسته پیغمبرﷺ رادرحق شمامنهم بخوانم اللهم .

اللهم ارحم‌الانصار.

و ابناءِ الانصار .

وابناءِ ابناء الانصار

والسلام‌علیکم‌یاانصارالله

وتفصیل بیشتر ازاین را درکتاب افق وحی باید دید.

دعای ختم :

بارالها ما از دعای پیغمبر اقدس اطهر تعلیم گرفته الهام میجوئیم بار خدای عظیم پیغمبر امین تو محمد صاحب‌وحی . (ابن‌مسعودمیگوید)در مجمع اصحاب مهاجر وانصار یکماه پیش از وفات برای تشکر از انصارومهاجر و دعا در حق آنان همه را درنظرگرفته وبروی‌همه نظاره‌کرد واین‌دعاها را در حق‌آنهاکرد . ده دعا درحق آنها کرد .

مرحبابکم حفظکم‌الله نصرکم‌الله‌هداکم‌الله رفعکم‌الله وفقکم‌الله‌سلمکم الله‌قبلکم‌الله نصرکم‌الله رفعکم‌الله رزقکم‌الله .

خداشمارامحافظت کند	خداشمارا نصرت‌دهد
خداشمارا رهنمائی کند	خداشما را موفق بدارد
خدا شما را قبول کنـد	خدا شمارا‌روزی‌دهد
خدا شما را رفعت دهد	خدا شما را منتفع کند
خداشمارا‌سلامت بدهد	خدا شماراسرسبزبدارد

وبا زمرده‌ای‌از انصار فداکار که‌دنیا نظیر آنان ندیده‌آن ابراز محبت و لطف وصمیمیت فرمود که گفت (المحیامحیاکم والمماةمماتکم) اینك الحاح وتضرع‌ازجانب‌خودم وباامیدواری‌برای برادرم‌جناب‌علامه‌سیدعباس‌رضوی‌و برای کمیته برادران همکارانش میخواهم که به‌آن بنبوع خیرچنان پیوسته‌مان گردانی که‌قطره‌بردریامستغرق‌میشود . پس‌اتصال‌وپیوستگی‌مراوایشان راقبول نما وبپذیروما را هم‌بآن مدال افتخار ونشان ممتاز مفتخرفرماخود آگاهی که خطیب اهل‌بیت علامه‌سیدعباس رضوی به‌حول وقوه توعمری راربع‌قرن‌چون یکتن جندی از جنود محمد (ص) بنصرت دعوت دین تو کوشیده این بنده شرمنده هم قریب هشتاد سال است‌عمررا چونان سپاهی‌اسلام‌چونان جندی از جنود محمد (ص) در خدمت ونصرت دین توکوشیده‌اند باتوفیق‌الهی‌مغزوفکر واندیشه و زبان ولسان وبنان وبیان خود راهمواره‌دراختیار پیغمبر(ص)برای نشردین نهاده‌اند وبیمن اجابت‌تواندیشه وزبان ودست وقلم‌خودراکه‌به عطای خودعنایت فرموده‌ای به‌اشاره‌وفرمان‌حضرت‌اقدس‌او ﷺدرراه مقصداقدس او پیوند داده‌ام ودرراه همت‌آن همت‌اقدس‌قدم‌درراه نهادم .

هرخط نوشتم وهرقدم برداشتم وهنوز ازروی‌صاحب شرم‌دارم‌وهرگاه آن نشان سردوشی انصار را به سینه و سردوشی کس‌دیگرغیرازآن اشخاص

انصار اهل مدینه زده‌ای و بعد از آن اشخاص انصار به کس دیگر داده‌ای ماراهم از آنان قرارده و مارا مفتخر فرماو به آن نشان ممتاز بی نظیر مفتخرمان فرماو هر گاه من لایق نیستم و خدمات ما و انتظارات ما لایق آن حد عطیهٔ بزرگ نیست که پیغمبر اقدس اطهر توحیات ومماة آنان رابرای خود بخواهد و برای خویشتن حیات ومماة مثل حیات ومماة آنان رابخواهد.

پس ماخواستاریم که حیات ومماتی مثل حیات ومماتی محمد و آل محمد رابرای ما مقدر فرمائی وما را از آن بهره‌ور فرمائی .

و ذریه مارادردعای پیغمبر (ص)

اللهم ارحم الانصار وارحم ابناء الانصار

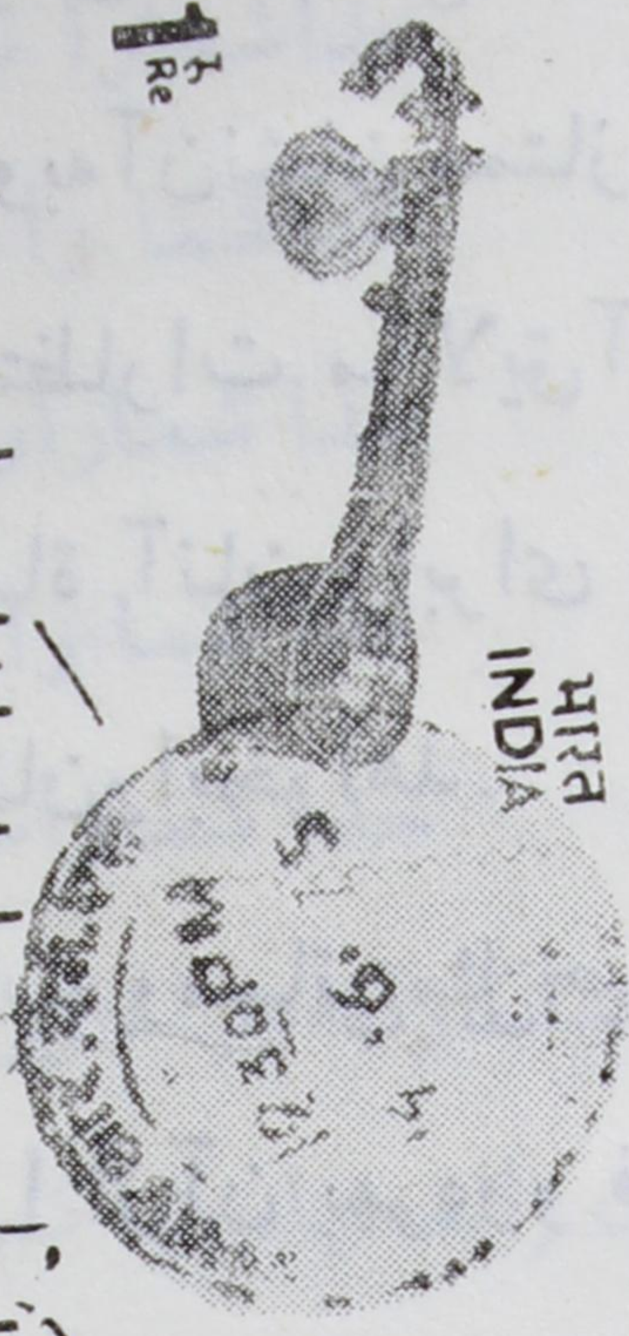
وارحم ابناء ابناء الانصار.

مقرون بذریهٔ انصار فرما

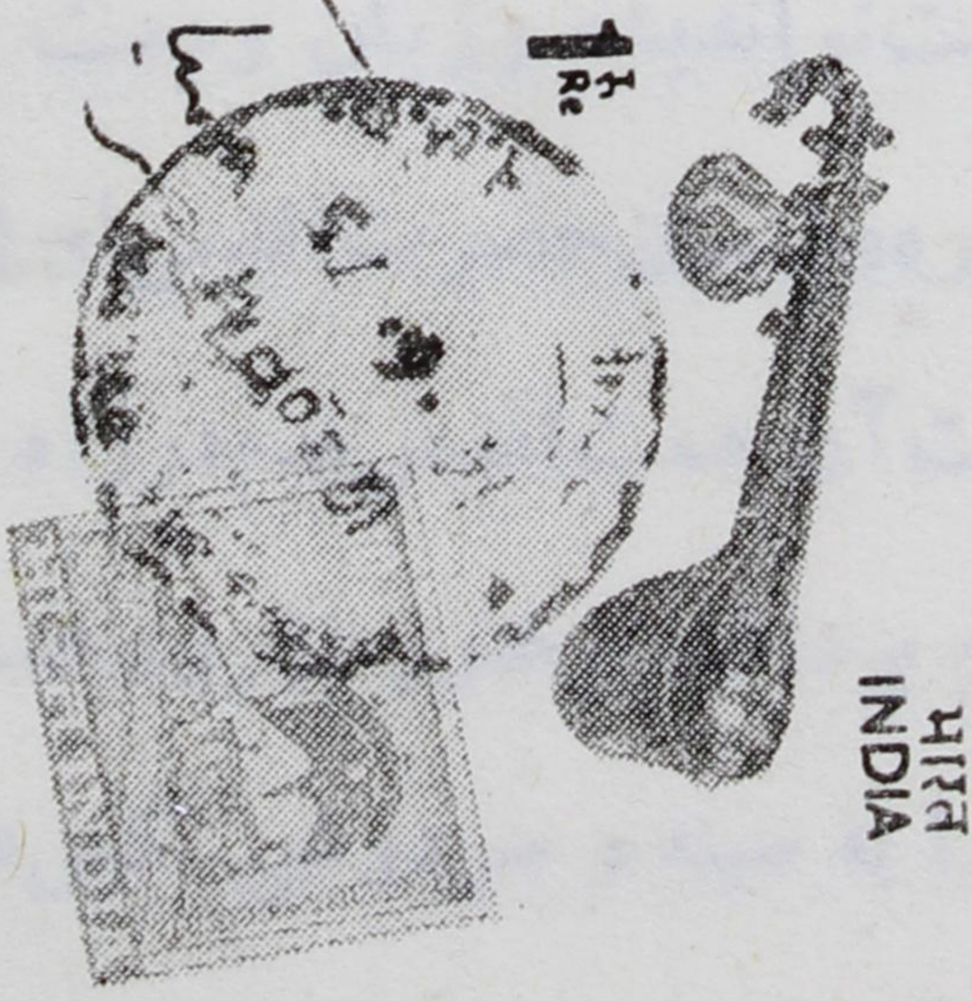
(انك سميع مجيب)

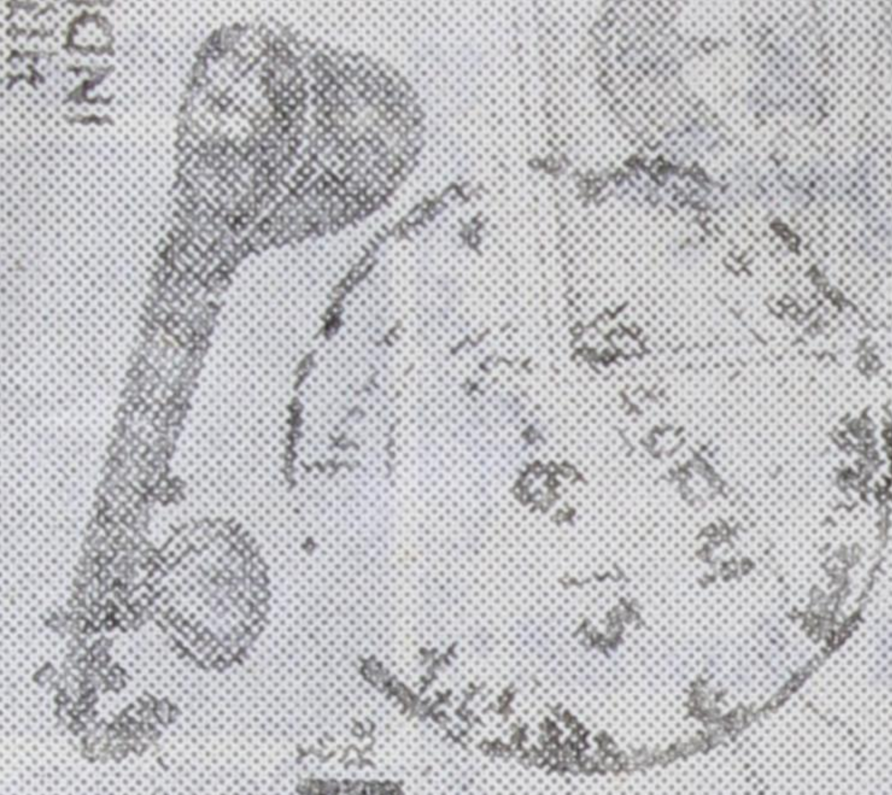
العبد خلیل الکمره‌ای

غره رجب ۱۳۹۵



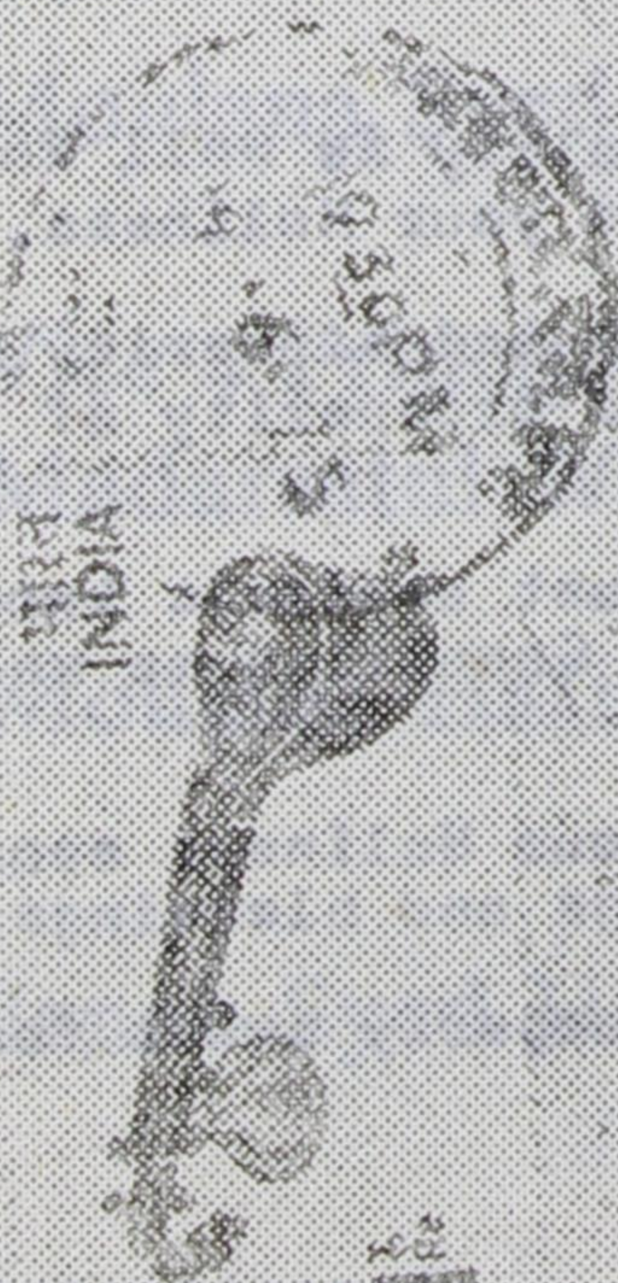
مبارک تقدیم جناب سرکار آیة الله العظمی آقای آقا میرزا خلیل الکمره‌ای دام ظله العالی





BY AIR MAIL

His Holiness Sarkar
Ayatullah Aga Mirza Khaleel Kamraie,
C/o. Maktaba-e-Islami
Kheiban-e-Buzar
Jumhori Sharqi,
Tehran - Iran.



From:

Sharief Aslam,
Indira Darshan Library,
4-1-1235, King Kothi Road,
Hyderabad-500 001 A.P.,
India.

جشنِ سیمیں اعترافِ خدمات

خطیبِ اہلبیت علامہ سید عباس رضوی

Silver Jubilee Felicitations To Khatibe - Ahile - Bait Allama Syed Abbas Razavi



Phone : 46006
Indira Darshani Library,
4-1-1236, King Kothi Road,
Hyderabad-500001 A.P.

Ref:.........................

Date 12th June 1975

Your Holiness !

Salammum-alaekum !

It is with great pleasure that we inform you that on the completion of 25 years of service to the cause of Islam and Ahlebait-e-athhar (A.S.) we are celebrating a Grand Silver Jubilee functionto honour Khatib-e-Ahlebait Allama Syed Abbas Razavi at Hyderabad on 19th Rajab-ul-Murajjab 1395 A.H. On this occasion many diginatories will deliver lectures about the services and life of Allama Razavi Saheb.

We request your Holiness to be kind enough to send us a message of greetings on this occasion and oblige the members of the Committee. Moreover on behalf of the Committee we will present valuable gift of books as well as donation to Allama Syed Abbas Razavi Saheb for completion of his library.

Allama Abbas Razavi Saheb's personality is well known all over the Islamic World as well as to your Holiness.

He is serving Muslims with devotion and sincerity and he is always a torch bearer of unity and prosperity of Muslims.

His Majalis, his Oration and his Vast academic knowledge are well known throughout Islamic Countries as well as in Iran.

It will be highly appreciated if your Holiness send a valuable donation along with your message and blessings.

The members of the Committee will eagerly await for your kind and generous response.

.............2

Advisory Board

CELEBRATIONS COMMITTEE

Chairman :
Hon'ble T. Anjiah
Minister for Labour,
Andhra Pradesh.

Vic Chairmen:
Janab Mehboob Hussain Jigar
Joint Editor Siasat.

Janab Syed Lateefuddin Qadri
Managing Editor,
Rahnuma - e - Deccan.

Moulana Akhter Zaidi
Dr. Mehdi Jaferi.
Dr. Hyder Raza Zaidi
Agha Jalal Sharefi .

Geeneral Secretary :
Sharief Aslam,
Editor, The Expectation Weekly

Organising Secretary :
Ali Siddiqui '
President.
Inbira Darshani Library .

Joint Secretary :
Peerzada Shabeer Naqshbandi
President, All India Muslim
Youth Federation

Publicity Secretary :
Samsam Ali Gaohar .

Treasurer:
M.A Subhan ,

RECEPTION COMMITTEE

Chairman:
Janab Syed Rahmat Ali ,
Deputy Speaker ,
A.P. Legislative Assmebly .

Vice Chairmen :
Maharaj Kumar Mahmood
Hasan Khan
(Mahmoodabad)

Dr, Alam Khundmiri ,
Head of the Dept, of philosophy
Osmania University .

Janab Syed Masood Hasan

Janab Moin Farooqui,
Chief Editor, Angaray .

Nawab Mohd. Hussain Khan

Secratary :
Janab Syed Ali Mohd. Allan.

Joint Secretaries :
Janab Mohd. Ali Raz

Janab Ansar Hyder Abidi .

Janab Tasadoqh Hussain Jaffer

Janab Ishaq Malik

گروه مشاورین :

رئیس : نواب کاظم نواز جنگ بهادر

هیئت امناء خیریه نظام وسائر سازمانها .

نایب رئیس : مولانا عبدالوهاب نجاری .

مدیر : مولاناشیخ احمدشطاری معتمد صدرمجلس علماء دکن کامل .

مولانا سیدضیاء الحسن صاحب قبله .

قائم‌مقام مدیر : مدرسة الواعظین لکهنئو . مولانا حافظ ابویوسف و

جناب سیدحسن .

اعضاء :

نواب خورشید حسن خان .

نواب محمود علی‌خان .

نواب قربان علی .

نواب میرعباس‌حسین خان.

نواب جهانگیر علی خان .

نواب احمد حسن خان .

نواب میرسیدحسین خان

نواب‌میر احترام علی‌خان .

جناب‌محمدمحبوب‌دعلی‌خان.

جناب سرمی نیواس لاهوتی.

جناب د . پراتاب ردی .

جناب اصغر اشرف .

پرفسور شمس الدین .

کمیته جشن ها.

رئیس : جناب آقای انجیه وزیرکار .

نایب‌رئیس : جناب محبوب‌حسین جگر .

هیئت مدیره : رهنما دکن .دکترمهدی‌جعفری . دکترحیدر رضازیدی

سردبیر سیاست : جناب سیدنظیف‌الدین قادری

آقا جلال شریفی .

دبیرکل : شریف اسلم

سردبیر مجله هفتگی انتظار (اکس‌پلک تیشن)

دبیر سازمان : علی صدیقی

مدیر : ایندیرا دارشانی

دبیر سازمان جوانان هندوستان : پیرزاده شبیر نقشبندی

مسئول روابط همگانی : صمصام‌علی گوهر

خزانه‌دار : ایم . ا سبحان .

کمیته پذیرائی:

رئیس : جناب سید رحمت علی‌نایب صدر مجلس‌قانون ساز آند هراپردیش

سخنگو :

نایب رئیس : مهاراج کمر محمود حسن‌خان

اعضاء : دکترعلم خواند میری رئیس دپارتمان فلسفه دانشگاه عثمانی

جناب سید مسعود حسن

جناب معین فاروقی سردبیر انگاری

نواب محمد حسین خان

دبیر : جناب سید علی محمد اثلن

دبیرمشترك : جناب محمد علی راز

جناب انصار حیدر عابدی

جناب تصدق حسین جعفر

جناب اسحق مالك



BY AIR MAIL.

TO,

SARKAR AYETYLLAH-UL-UZMA

MIRZA MOHAMMED KHALEEL KAMRAIE,

KHIABAN ZARREEN NAL,

TEHRAN, I R A N.

محضر مبارک سرکار آیة الله العظمی

آقای آقا میرزا حاج محمد خلیل کمره ای دام ظله

خیابان زرین نعل - تهران - ایران

S. ABBAS RAZAVI
B.10. HIRJI GOVINDJI COMPOUND.
SAFIA ZUBAIR ROAD,
BOMBAY-8.
PHONE: 376495

(INDIA).

... رمضان المبارک سنه ۱۳۹۵ هـ
... سپتمبر سنه ۱۹۷۵ م

سرکار معظم ناصر دین مبین باید حق آل محمد آیة الله العظمی دامت برکاتهم

پس از عرض سلام و پابوسی از خداوند برتر و توانا به وسیله محمد و آله الامجاد علیهم السلام مسئلت می نمایم که وجود مبارک حضرت آن سرور گرامی تا به ظهور قایم آل محمد علیهم السلام به سر ما همه جمیع مسلمین سلامت و پاینده بدارد. از وقتی که بنده از ایران به هندوستان مراجعت کردم هر وقت و هر روز کرم بی پایان و الطاف بی نهایت آن سرور عزیز همراه به دعاگوی یاد می کنم. آن بزرگواریها و شفقتها که طرف این حقیر سرور العصر ظاهر فرمود شاید به طلب این فقیر منقش نقش دوام ستیز شده است. و ممکن نیست که راجع به الطاف بی حساب را تشکر بشود. ولیکن چونکه از طرف معصوم علیه السلام ترغیب شده است و ارشاد فرموده اند "من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق" بنده به کمال مراد ب و احترام به خدمت مقدس حضور مبارک آن سرور به کمال ادب و احترام و اخلاص تشکر معروض می کنم. در دیار هندوستان البته افتخار می کنم که یکی از چاکران آن وجود مقدس و مبارک می باشم و هر امری که از آن زعیم ملت و فقیه اهل البیت اطهار علیهم السلام صادر می شود به کمال سعادت و افتخار به عون الله تعالی و به تائید ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام انجام می دهیم. من و امثال من برای ورود مسعود به آن بزرگ معظم به این دیار چشم به راه می باشیم. و هر وقتی که اراده می فرمایند اطلاع بدهید ده روز قبل ما را اطلاع بشود که از امام عصر راجع به استقبال آن غائب امام انس و جان ما را خجالت نه شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

نوکر آن سرور درخشان

عباس [signature]

فعلاً مقیم حیدرآباد دکن و ... مشرف ... والله ...
و مراجعت به بمبئی بیست و هشتم ماه مبارک ...

نامه و پاسخ نامه ندوة العلماء

لکهنئو ـ هند

ندوة العلماء لكنهئو (الهند) — ترجمه نامهٔ ندوة العلماء هند

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرة صاحب فضيلت ميرزا محمد خليل كمرائى آية الله العظمى المحترم ـ ژاله

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

اميدوارم كه حالت آن شاخص فضيلت درحد اعلى از سعادت و خرمى باشند كه دوستداران براى شما اميدوارند از صحت تندرستى و عافيت و توفيق.

وبعد مرا مسرور ميكند سرور بزرگ ازاينكه تذكر بدهم بآن شاخص فضيلت كه ندوة العلماء (انجمن علماء) در ۲۵-۲٦-۲۷ شوال آينده جشن جهانى تعليمى (مهرجان جهانى) جشن تعليمى فارغ التحصيلى عمومى خودرا بمناسبت (هشتادو پنجمين سال خود از ابتداء آغاز فعاليت تربيتى اسلامى عظيم خود) منعقد ميكند واميد ميداريم كه در اين موقع ملاقات بزرگان اين لقاء وديدار همگانى بهترين مناسبت و مناسبترين موقعى فرارسيده تاقضاياى تربيتى اسلامى را كه مسلمين از آغاز قرنى يا قرنهائى باآن روبرو بوده انداز نظربگذرانندو بحث ورسيدگى شود وتمام راه حل هاى عديده اى كه آنرا رهبران فكروتربيت اسلامى كه اين قضايا را پيشنهاد داده و تنفيذ كرده اند بنگرند تا بنگرند كه تا چه امتدادى اين راه حلها سودمند بوده ودرراه وصول بهدفهاى بلند كامياب گرديده .

چون از نظر گذرانیدن کوششها و تجربه ها در این میدان و جولانگاه مهم ، سودو نفع سترگی درراه بناگذاری مستقبل آینده افضل کاملتری خواهد بخشید بویژه در وطنهای اسلامی بزرگ که هرکدام در منطقه خود روبرو بامشکلات بسیار و قضایای زیادی هستند.

من اشتباه نکرده‌ام اگر بگویم که ندوة العلماء برا زنده‌ترین مقام است که حق دارد قیام کند بانعقاد چنین مجمع تربیتی بزرگ که همه همدگر را آنجا ملاقات میکنند .

چون این ندوة العلماء از آن آغاز که تأسیس شد (پیش از هشتاد وپنجسال قبل) روی این مبدء و اساس شد که سعی و کوشش کند برای بازیافتن طریقه کاملتری برای تربیت اسلامی از آن نوع که جامع باشد بین قدیم صالح ـ و جدید نافع و دوره‌ای را یا دوره هائی را در مراحل مختلف حیاتی خود طی کرده و عقب سر گذشته که خالی از اهمیت نبوده و دراین مدت گذشته امتداد داشته چنانکه هرگاه بپشت سر از تاریخ این خانه دار الندوةالعلماء بنگریم سه جبهه بدیده میآید .

۱ـ اول از فارغ التحصیلانی که ازاین مدرسه خارج شده‌اند گروههائی میبینید که پیاپی یکدگر برخاسته‌اند که از گزیدگان عمال اسلام و مسلمین هستند .

۲ـ و باز انجمنها و مجامعی و مؤسساتی میبینیم که در نوع خود جدید بوده وعمل و کارکرده وهمواره هنوز هم برای همین هدفها کار میکنند

۳ـ کتابخانه‌هائی میبینید که مانند دریائی است مملو از کتابهائی که در

تربیت فکر اسلامی دوره هائی را در شبه قاره هند داشته و دارند و صدای آنها در اقطار عالم در دائره وسیعی نیز پیچیده .

باهمین اشاره برق‌آسا نظر مبارك شما را معطوف میدارم بضرورت تعاون بااین جشن‌بزرگ مهرجان‌تعلیمی عام وعمومی‌که ندوة العلماء تصمیم بانعقادآن دارد بوسیلهٔ تشریف فرمائی خودتان با حضور خود آنرا شرف دهید وبر تجربه ندوةالعلماء در دائره تعلیم و دعوت اسلامی اطلاع حاصل فرمائید .

چنانکه ندوةالعلماء هم نیز متمکن خواهد شد که از راهنمائی های شما و پیشنهادات شما و نظریات قیمتی و گرانبهای شما استفاده کند وتعاون سودمندی بین کارکنان اسلام در اقطار مختلف جهان اسلام انجام خواهد پذیرفت امیدوارم که دعوت ما از طرف فضیلت شما موردقبول واقع گردد . وما را از جانب خود بپاسخی مثبت و شجاعانه و کریمانه جواب دهید . و در ختام برای شما آبرومند ترین آیات قدردانی و احترام و تحیات ما خواهد بود .

والسلام علیکم و رحمةالله وبرکاته

***

المخلص

ابوالحسن علی‌الحسنی‌الندوی

الامین العام لندوة العلماء

ترجمه بروشور نامهٔ
ندوة‌العلماء

جشن مهرگان تعلیمی
ندوة‌العلماء

بمناسبت گذشتن ۸۵ سال بر تأسیس آن

***

بیان استاد

صاحب سماحة استاد بزرگوار السیدابی‌الحسن علی‌الحسنی‌الندوی

دفترخانه اجرائیات وتنفیذ جشن مهرگان تعلیمی ندوة‌العلماء

ص ب ۹۳ ـ لکهنئو ـ (الهند)

بسم الله الرحمن الرحیم

ندوة العلماء در هند (بسال ۱۳۱۱ هـجری) (۱۸۹٤م) انشاء شد وبحساب یك‌حرکت وجنبش اسلامی اصلاحی جامع جمع آورنده‌واقع‌بینانه تأسیس شد واز روز آغاز چشمهای نسل جدید مسلمان و ملت مسلمان‌بسوی آن متوجـه و محل انعقاد آرزو های آن واقع شد تا درمدت اندکی محط انظار وفرودگاه وباراندار ملت وشعب واقع گردید وتشکیل جشنهای‌سالیانه وعمومی آن امتیازی داشت که جامع بین دسته‌های مختلف وطبقات متفاوت وشخصیتهای گوناگون شد واین معنی‌رمزی البته‌ازاثراصالت‌این‌حرکت ، عمق آن ، نمو آن ووسعت دامنهٔ آن ، توسعهٔ منطقهٔ نفوذآن است .

قیام ندوةالعلماء برپایه‌های‌اساسی واضح وسالم بود که‌دلهارابسوی خود جذب وجنب‌کرد و اذهان وافکار وعقول را بسوی خود متمایل نمود وطبقهٔ گیرنده وجماهیر عامهٔ ملیون را بخود جذب‌کرد واین پایه‌های اساسی را ممکن است ما تلخیص کنیم در نقاط چهارگانه نقطه های برجسته زیر:

اولا ـ نقطهٔ اول تطویر روشهای تعلیمات دینی‌که آنها را بطور دیگرگردانید و روش وشیوهٔ درسی مستقل قرارداده که خواسته های عصری واحتیاجات نسل‌حاضررا دربر داشته باشد وبراساس وپایه کتاب وسنت وفهم دینی سالم‌برپا باشد .

ثانیاً ـ بیرون دادن علمائی و دانشمندانی که در علم راسخ بوده و از روح دینی اشباع شده و عارف بروح فرهنگ عصر حاضر و امواج آن می باشند وخبیر وآگاه از قلق و اضطراب وناراحتی روانی ونفسانی‌واجتماعی وعقده‌های‌فکری وعقائدی‌هستند که نسل حاضرگرفتارآن و درصدد علاج و چارهٔ آن است .

(ثالثاً) دمیدن روح تضامن و تعاون و همکاری عملی‌وثیق واستوار درملت مسلم وشعب مسلمان .

(رابعاً)نشراسلام بخصوص‌دربیگانگان وغیرمسلمین ازفرزندان‌وطن.

وحمد میکنیم خدای تعالی راکه‌این ندوة موفق‌گردید بسیاری‌از این هدفهای دور دست بلند و اهداف ارجمندرا تحقق داده و همه اوساط علمیه واسلامیه با اختلاف‌وجهۀ نظر و اتجاهات خود اعتراف بفضل آن و بسبق و پیشدستی آن دراین میدان ومضمار نموده واین بزرگترین افتخار است برای ندوةالعلماء و فیروزی خیره کننده‌ای است از فیروزیهای آن که توانسته آن

شکاف هولناك وسیع و بیگانه‌ای را که اسلام و تاریخ اسلام و مسلمین آن را نمیشناخت در «دو راو لش» پر کرد یعنی بین طبقهٔ عصر جدید که بر هر جدید تازه و طریف برو درافتاده و بین طبقه‌ایکه بر هر قدیم کهنهٔ انباشته‌ای معتکف است و این اولین تجربهٔ اجتماعی است بعد از شکفتن تمدن غربی واستعمار بریطانیائی که مانند کابوسی برسینهٔ ملت مسلمان درشبه قارهٔ هند نزدیك صدسال یابیشتر زانوزده بر روی آن افتاده بود.

این ندائی بود که برخاست وبالاگرفت باطنین ووآتاب پر جلجله از حلقوم ندوة‌العلماء دراین بلاد واسع با اقطار دامنه دار آن که گسترده‌و گشاده و تابخواهی بیسروته است و این محصول فکری وزاد علمی وایمانی بود که فرزندان ندوة‌العلماء و اعضای آن در میدانهای علم ودین وآداب و تاریخ و تعلیم و تربیت وفرهنگ وآداب بیرون داده‌اند محصولی است که هیچ محیط فرهنگی ثقافی ومدرسه فکری وادبی دراین بلاد از آن مستغنی نیستندو دشمن ودوست وانصار و معارض همه یکسان بآن اعتراف واجماع کلمه دارندو افسوس وصدافسوس که پنجاه سال این جشنهای پرشکوه ومهرگانهای همه‌جانبه که سبب انتشاراین دعوت بود وپرچم این دعوت را بر دوش خود حمل میکرد و عامل قوی از عوامل انتشارش وقبولی عامه‌اش بودتعطیل شد ورشته‌اش منقطع گردید برای اسبابی غیراختیاری که حاجت بذکر آن نیست .

واکنون دراین مرحله تاریخی ممتاز که ندوة‌العلماء قیام کردوروابط خود را با عالم اسلامی جمیعا رابطهٔ اخوة و برادری محکم مستحکم ساخت بلکه ندوة‌العلماء به تعبیر صحیح‌تر میتوان گفت که قویترین وسیله بود که این بلاد را دربلاد عالم عربی نامبردار کرد وآنرا تعریف صحیح کرد و شناسانید

یعنی بمقام لایق جمیل آن در سطح بلند همه جانبه خواه علمی، خواه ثقافی و فرهنگی ،آن را بطورشایسته معرفی صحیح کرد .و بعد از این تحولات شگرفی که بلاد اسلامی آنرا دراین ربع قرن از زمان درهمهٔ میدانها گذرانید واز آن نیکو گذشت خواه سخت وخواه آسان ما بحول وقوه الهی و توفیق او با توکل بلطف بیچون او تصمیم عزم کرده‌ایم بر انعقاد جشن مهرجان تعلیمی برای ندوة‌العلماء بمناسبت گذشتن (۸۵سال) هشتادو پنجمین سال بر تأسیس و انشاء آن که همهٔ اقطاب عالم اسلامی و کبار علماء ومتفکرین ومبلغین ودعاة وخبرگان تعلیم وتربیت وزمامداران دعوت اسلامی در اقلیم اسلام و وطن بزرگ عالم کبیر اسلام همدگر را دراینجا ببینند ودراین جشن مهرگان تعلیمی وعمومی وجهانی و همه آن تجربه ها وکوششهاو حاصل و محصول درسهای طولانی وتأملات عمیق دراین مبارزه فکری وصراع وکشتی گیری عقیده‌تی که بین اسلام ولادینی دائر بوده و بین فکر اسلامی وتفکر غربی وغرب‌زدگی که در بلاد ما در دائره‌های بسیار وسیع تجلی کرد و جلوه نموده بنمایش گذاشته میشود ونیز خواهیم کوشید که از تجربیات وخبرویت برادران دیگرخود در وطن اسلامی و بلاد دیگر و از افکار پخته پیشرو آنان در چهار چوب فکر اسلامی وروش تعلیمی وشیوهٔ مستقل و فرهنگی اصیل وجوانب اجتماعی و تربیتی وتبلیغاتی دیگر که شایستگی درس وتدریس واهتمام دارند استفاده کنیم وچهره‌هائی از همکاری ومساهمت ندوة‌العلماء در ذخیره‌های محصول علمی و ادبی وثقافی وتعلیمی درعالم اسلام بطور عموم و دراین بلاد بطورخصوص نشان خواهیم داد و ناحیه های فکری وعملی که تحت تأثیر این دعوت ورسالت آن وروش وشیوهٔ فکری وعملی آن تأثیر پذیرفته‌اند نشان داده تقدیم خواهیم

کرد که چگونه وچسان نسل معاصر را از ناحیه فکری وعقلی، آن را رو بسمت مقصد متوجه کرده و چگونه وچسان نقطه التقاء و برخورد وپل وجسر و داد و دوستی و برادری بین دو لشگرگاه جنگجو ومحارب ومبارز بایکدیگر یعنی دو لشگرگاه قدیم وجدید قرار گرفته واین جشن مهرگان جهانی تاریخی بزرگ بما فرصت استثنائی نادر بی نظیری خواهد داد که برگردش دورهٔ یک حیاتی خیره کننده اطلاع مییابند که آنرا اقلیتی مسلمان در مثل این بلاد عظیم وسیع که در آن زندگانی میکنند میگذرانند وظروفی را که ازپی یکدیگر پشت سر میگذارد و مشکلاتی راکه رنج آن را تحمل میکنند بمانند مرزدارانی شبخیز، وکشیک دارانی براین مرز. پاسداران امانت اسلامی وفادار بدین خدا وامناء بر احترام دعوة و حرمت این دعوة وبلندی مقام آن ـ واصالت آن. وپاکی وآلوده نبودن آن چنانکه نیز مطلع خواهیم شد بحول وقوة الهی انشاء الله ببرکت این مهرگان بر این دور بزرگی که این شعب مؤمن امین خدمتگذار در این وطن هندو سازندگی آن را برعهده دارد برپایه‌ها واساس اخلاق پر ارج وارجمند وقیادة ورهبری فکری وعقلی ازجدید وبر پایه مواهب خداداد ومؤهلات واهلیتهائی که این شعب وملت از زمان درازی بدان بهره منداست.

واین جشن مهرگان باذن‌الله در روزهای جمعه وشنبه ویکشنبه در ۲۵ ـ ۲۶ ـ ۲۷ از شوال ۱۳۹۵ ه موافق ۳۱ اکتوبر ـ اول نوفمبر ـ ۲ نوفمبر درمیدان ندوة العلماء که بسی فراخ ووسیع و بزرگ است تشکیل میشود

و مشتمل بر نمایشنامه‌های علمی وثقافی وفرهنگی وتاریخی مختلف وانجمنها وکنفرانسها و سخنرانی‌ها وجشنهای ملی عمومی و دراسات اسلامی هدف گیر

ونمایشگاه جمیل وزیبائی که بطور مصور حرکات تألیف ونشر و ترجمه و و امهات کتب ومراجع بحث ونوادر مخطوطات ومؤلفات را بحسب گذشت ومرور زمان مصورخواهد نشان داد وبرای این‌منظور دفتری برای اجرائیات وتنفیذ اداره اعمال مهرجان و تعریف بآن در اقطار مختلف عالم اسلامی و اهتمام بشئون مختلفَ اداری وفنی آن تأسیس و انشاء گردید پس امیدواریم بجمیع آنانکه به امر ندوة العلماء و کوششهای آن و جهاد آن دراین بلاد و امر این دعوت و مستقبل آینده این نسل که از طرفی طعمه و فریسه دعوات جاهلیت وازطرفی دیگر گرفتار غربزدگی حملات صلیبی‌ها و تسلیحات‌عمومی کارزار غرب عالمگیر از زمانهای دراز شده‌اند اهمیت میدهند که در این مهرجان عظیم باخبرویت‌های‌خود وتجارب‌خودو آراء خودهمکاری بنمایند.

چنانکه امیدواریم از ابناء ندوة العلماء و سایر کارگذاران اسلامی که بیدار وشب زنده‌دار وپاسدار برای خدمات علوم اسلامی هستند که با ما تعاون کنند باتمام امکانیات خویشتن و امیدواریم ازفضل خدا توفیق - و رشد وسداد وهدایت بآنچه خیر اسلام وفلاح مسلمین درآن است.

والله ولی‌التوفیق

ابوالحسن علی‌الحسنی الندوی

اصل نامه لکھنئو



ندوة العلماء لکھنؤ
(الهند)

PHONES | 27859 | 22948 | 29747 P. o. Box 93
NADWAT-UL-ULAMA
LUCKNOW 7 (INDIA)

بسم الله الرحمن الرحیم

رقم...١٢١٧

التاريخ ٨٩٦/٥/١٢

٧٥/٥/٢٥ م

حضرة صاحب الفضيلة الميرزا محمد خليل كمرآئى آيت الله العظمى زاله المحترم السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أرجو أن يكون فضيلتكم فى أسعد مايرجوه المحبون لكم من الصحة و العافية والتوفيق ،وبعد ، فيسرنى سروراً كبيراً أن أذكر فضيلتكم أن ندوة العلماء ستعقد فى ٢٥-٢٦-٢٧ شوال القادم مهرجانها التعليمى العام بمناسبة انقضاء خمس وثمانين سنة على بدة نشاطها التربوى الاسلامى العظيم، ونرجو أن يكون هذا الملتقى التربوى الاسلامى مناسبة كبيرة لاستعراض القضايا التربوية الاسلامية التى يواجهها المسلمون منذحقبة من الزمان ، و بحث الحلول العديدة التى اقترحها ونفذها قادة الفكر والتربية المسلمون لهذه القضايا، والى أى مدى نفعت هذه الحلول ونجحت للوصول الى الاهداف السامية ،فان استعراض الجهود و التجارب فى هذا المجال سوف يكون ذانفع كبير فى سبيل بناء مستقبل تعليمى

أفضل، وخاصة فى الاوطان الاسلامية الكبيرة التى لها مشاكل وقضايا كثيرة.

ولاأكون مخطئاً اذا قلت ان ندوة العلماء أحق من يقوم بعقد ملتقى تربوى كهذا ، لانها أسست عندما أسست قبل خمس وثمانين سنة على مبدأ السعى لنشدان طريقة أفضل للتربية الاسلامية الجامعة بين القديم الصالح والجديد النافع ،وقد مثلت دوراً لابأس به فى مختلف مراحل حياتها الممدودة فى هذه المدة السابقة، فنحن حينما نرى انى ماورانا من تاريخ هذه الدار نجد أجيالا من خريجيها كانوا من خيرة العاملين للاسلام والمسلمين ،ونجد مجامع و مؤسسات كانت جديدة من نوعها عملت ولاتزال تعمل لنفس الاهداف ،ومكتبة زاخرة بمؤلفات كان لها دور خاص فى تربية الفكر الاسلامى فى شبه القارة الهندية ،ولها صدى واسع فى غيرها من أقطار العالم ايضاً.

بهذه الاشارة الخاطفة ألفت نظركم الكريم الى ضرورة تعاونكم مع المهرجان التعليمى العام الذى أزمعت ندوة العلماء عقده بتشريفكم له بالحضور فيه حتى تطلعوا على تجربة ندوة العلماء فى حقل التعليم و الدعوة الاسلامية ، كما ستمكن ندوة العلماء ايضاً من الاء ستفادة بتو جيهاتكم وا قتراحاتكم القيمة ، و يحصل تعاون مفيد بين العاملين للاسلام من أنحاء مختلفة من العالم الاسلامى .

أرجو أن دعوتنا ستلقى من فضيلتكم. القبول ونتلقى منكم رداً مشجعاً كريماً.

ولكم أزكى آيات تقديرنا واحترامنا وتحياتنا.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

المخلص

مهرجان تعليمي لندوة العلماء

بمناسبة مرور ٨٥ عاماً على تأسيسها

بيان

سماحة الأستاذ السيد أبي الحسن علي الحسني الندوي

الكتابة العامة للمهرجان التعليمي لندوة العلماء
ص ب ٩٣ لكهنؤ (الهند)

P.O.Box-93-Lucknow (India)

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

أنشئت ندوة العلماء بالهند عام ١٣١١هـ - ١٨٩٤م كحركة إسلامية علمية إصلاحية جامعة، وأصبحت محط أنظار [illegible] ومضى عليها [illegible] ، وكانت أهدافها [illegible] العالية التي امتازت بالجمع بين مختلف الفئات والطبقات والشخصيات، ومن أهم أهداف هذه الحركة ومحور دعوتها الشاملة [illegible] بطريقة نوجزها.

قامت ندوة العلماء على أسس واضحة [illegible] القوية [illegible] الأذهان والعقول، وجذبت الطبقة الواعية والجماهير الشعبية العامة، ويمكننا أن نلخص هذه الأسس في النقاط التالية البارزة:

أولا: تطوير المناهج التعليمية الدينية، ووضع منهج دراسي متكامل يحقق متطلبات العصر ومتطلبات الجيل، ويقوم على أساس الكتاب والسنة والقديم النافع التليد.

ثانيا: تخريج علماء راسخين في العلم متضلعين من العلوم الشرعية متأثرين بروح الثقافة العصرية وحاجات المجتمع يقومون بالتوجيه الاجتماعي والأخلاقي والفكري والثقافي الصحيح للجيل الجديد.

ثالثا: نشر الإخلاص والتضامن والوعي بين الشعب المسلم.

رابعا: إبراز الإسلام بمحاسنه للأجانب وغير المسلمين.

٣

من أبناء الوطن.

ونحمد الله تعالى أنه وفق هذه الندوة لتحقيق كثير من هذه المرامي البعيدة والأهداف النبيلة، واعترفت بفضلها وسبقها في هذا المضمار الأوساط العلمية والإسلامية على اختلاف مذاهبها واتجاهاتها، وكانت أكبر ميزة لندوة العلماء [illegible] أنها أزالت تلك الفجوة العميقة الواسعة التي لم يعرفها الإسلام وتاريخ المسلمين في عهده الأول بين الطبقة العصرية التي أكبت على كل طريف وجديد والطبقة التي عكفت على كل قديم وتليد.

وكانت هذه أول تجربة اجتماعية بمثل هذا الحجم [illegible] الحضارة الغربية والاستعمار البريطاني الذي جثم على صدر الشعب المسلم في شبه القارة الهندية منذ مائة سنة أو أكثر.

إنه لله الحمد، الذي أنجح مساعيها وخرج أجيالا من أبناء ندوة العلماء في هذه البلاد الواسعة الأرجاء، وهذا التحول الكبير والتراث العلمي والإيماني الذي قدمه أبناء ندوة العلماء وفضلاؤها في مجالات العلم والدين والأدب والتاريخ والتعليم والتربية والثقافة والأدب، تحول لم يستغن عنه محيط ثقافي ومدرسة فكرية وأدبية في هذه البلاد، واعترف به [illegible] الأوساط [illegible] على السواء.

ومن [illegible] البالغ أن هذه الاحتفالات والمهرجانات العلمية - التي عقدت هذه الندوة على أكثرها كانت [illegible] في [illegible] نشاطها وعبر تاريخها الحافل - [illegible]

٤

خصوصا لأسباب قاهرة لا حاجة إلى ذكرها.

والآن في هذه المرحلة التاريخية الرائدة بعد أن [...] بين ندوة العلماء وبين العالم الإسلامي أوثق روابط أخوية [...] وعلمية، بل كانت ندوة العلماء في حياتها الأولى [...] التعريف بهذه البلاد في العالم العربي والتعريف بما تزخر به [...] من أعلى مستويات شتى علمية وثقافية، وبعد هذه [...] التحولات العظيمة التي مرت بها البلاد الإسلامية في [...] قرن من الزمان في كل ميدان، أصبح عزمنا - بحول الله وتوفيقه [...] متوكلين عليه - على عقد مهرجان تعليمي لندوة العلماء [...] مرور ٨٥ عاما على نشأتها، يساهم فيه أقطاب العالم [...] الإسلامي وكبار العلماء والمفكرين والدعاة وخبراء التعليم [...] وقادة الفكر الإسلامي والدعوة الإسلامية في الوطن الإسلامي الكبير.

وسوف نستعرض في هذا المهرجان الجهود [...] التي كانت حصيلة دراسات طويلة وتأملات عميقة في [...] التصادم الفكري الذي جرى بين الإسلام واللادينية، وال[...] الإسلامي والفكر الغربي الذي تجلى في بلاد الهند [...] ونحاول الاستفادة من بعض التجارب [...] البلاد الإسلامية الأخرى وتجاربها [...] في حقل الفكر الإسلامي والمناهج التعليمية المستقلة [...] الأصيلة والجوانب الاجتماعية والتربوية والتعليمية [...] التي تحتاج إلى الدراسة والاهتمام، ونقدم فيه ملامح من [...]

BY AIR MAIL

REGISTERED

Nadwatul Ulama
85th Anniversary
Celebration
P. o. Box 93
Lucknow. (India)

المهرجان التعليمي لندوة العلماء
ص - ب ۹۳ لكهنو (الهند)

الى حضرة صاحب الفضيلة الميرزا محمد خليل كمره آى آية الله ... زاده
زرين نعل ۲۷۹ — تهـــران (ايـــران)

SHAIKH MIRZA MOHAMMAD KHALIL KAMLAI
ZALAH
379 ZARRIN NA'AL,
TEHRAN
(IRAN)

بسم الله الرحمن الرحيم

الى حضرة صاحب الفضيلة سماحة الاستاد السيد ابوالحسن

علي الحسني الندوي المحترم

الامين العام لندوة العلماء في لكنهئو

السلام عليكم ورحمة الله و بركاته امّا بعد لقد القى الّي كتاب كريم انّه من سليمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا على و أتوني مسلمين سيدي الاستاذ جائني كتابك و فهمت ماند بتني اليه من الاخذ بحظي و الفوز بنصيبي و لكن .

كيف الوصول الى سعاد و دونها

قلل الجبال و دونهن حتوف

سيدي الاستاد يشجعني الى الاجابة والحضور خلة واحدة و يمنعني خلتّان اثنتان .

١ - يشجعني الشوق الى زيارة تلك المحيا النبيلة و الشخصية الفذّة التي قلت فيه انه :

كل الهند والهند كله قلتها ليلة مسامرتنا في طهران حين سأل الاستاد باشفاق هل زرتم الهند ؟ قلت الهند كله عندنا مشيراً الى شخصيته الفذة

ويمنعني من سعادة الاجابة والاخذ بالحظ خلتّان وثيقتان .

الاولى ـ الهرم و ضعف الشيخوخة و كهولة السن فانها بلغت بنا الى حد الشكوى والمشتكى الى الله (ربّ انّي و هن العظم منّي واشتعل الرّأس شيبا)

فياليت الشباب يعود يومـا فاخبره بمافعل المشيب

والخلة الثانية وهي العمدة ان المجلة (البعث الاسلامى) كتب في اعدادها المتتالية بقلم الاستاد تحت عنوان (الرّد على الشيعية) اقوالاخشنة ثورية يجعل جيوش ندوة العلماء غضابا علينا يشنون علينا الحرب متى اتاحت لهم الفرصة

وأنّى لنا الجرئة في الحضور لدى جيوش ندوة العلماء ؟ و هم جيوش غضاب علينا (نحن الشيعة) و قد بلغ من شدة حنقهم بنا ان رمونا في المجلة بمناجقهم بكل حجر من بعد بعيد ورضخونا باحجارهم حتى كسروا منا الجنبات كسروا عظامنا واضلاعنا وكل عظم في الرأس وكل عظم في الجنب وكل عضو في الضلع وكل الاضلاع منا مكسورة مرضوخة فنحن رهائن الشكوى تشجون بيدو تأسون باخرى اهد فونا ونحن لهم اخوة نسر بفوزهم و نحزن لحزنهم.

قومي هموا قتلوا اميم اخى فاذ ارميت يصيبني سهمي

فـــكـيــف الحـيلـة ؟

حششتم علينا نارا اقتدحناها على عدونا و عدوكم فبدل ان تكيدوا لاعدائنا واعدائكم المهاجمين علينا من اللادينية والهندوكية والماركسية والصهيونية والصليبية المستعمرة التى قـد احاطت بنا ويشنون علينا الغارة من كـل جهة و يستعمروننا ويستثمروننا فبدل ان تكيدوا لهؤلاء وجهتم سهامكم النافذة الينا فامست قلوبنا وافئدتـنا جرحى من سهام جيوش قابلونـا بقنابلـهم الذريـة و النوّوية المستعارة واهدفونا بكل ما في النواة الذرية من الحول و الطول في - التخريب والتدمير فاذالم يجدوا حجرا من عندهم يرموننا به استقرضوا و استعاروا من خزانة عـدو الشيعة ابن تيمية وهو اعدى عدونا من خزائنه المملوئة بالحجر والمدر وصنعوا من رضم تلك الاحجار كل قنبلة ذرية نووية و احتدموا

علينا نار الحرب حرباً لاهوادة فيها .

فنحن يا سيدى الاخ الاستاذ الكريم على وجل من خوف الفتك بنا الذى حضورنا فى المجمع المحتشد من اعداء الشيعة اعداء غضاب علينا وهم جيوش ندوة العلماء المتطرفين غير المصلحين مفرطين لامقرِّبين ولامقرَبِّين الناشرين لمقالات المجلة اوالمكبّين على قرائة مافيها فلعل تحريشاتكم فى المجلة سطرا بعد سطر وجزوا بعد جزو حركت . (ولاتزال تحرك) من سفهآء الامة عرق العصبيه - وعرق العصبية (عصبية - الجاهلية لاتزال تضرب) فقصدونا بالهتك اوالهلاك و رواء ان قتل الشيعة من القربات اوهى بعد الف سنة نوع من الانتقام للخليفة المستعصم البعاسى من هولاكو

فقتلونا اوفتكوا بضيوفكم طلبا للفوز بالجنة ورضى الله و مسرة لروح ابن تيمية فقتلونا جهراً اوغدراً «كمافعلوا بالسيد القاضى نورالله الشهيد المرعشى» ولاكن انىّ لى التوفيق؟ (توفيق الشهادة و القتل فى سبيل الله و سبب حب آل بيت النبى صلى الله عليه وآله) ساداتى الاعزاء فى جامعة ندوة العلماء اقول بكل الاسف انكم فى المجلة (البعث الاسلامى) لم تلبثوا الى ريث ان تسكن نفرتها و ويسلس قيادها فاخذتم تورون و قدتها و تهيجون جمرتها . فهلا كما يفعل السياسيون المهرة فى مفاوضاتهم ومناولاتهم و مكاتباتهم الديپلماسية فعلوا بنا (نحن المسلمين) فى الشرق الاوسط العربى و بيت المقدس من النكاية والخسارة ما قد تعلمون ولكنهم باسلوبهم الديپلماسية ما كاشفوا الخصم بالشتم والسب و ابقوا للمقال مقاماً وراعوا جانب الاحترامات الديپلماسية حتى امكنهم عند الحاجة المواجهة بلاخجل والتكلم والمفاوضة و لكنكم انتم (هدا كم الله) ما اتقيتم وما ابقيتم شيئاً من البغضاً والشنآن الاوقد كشفتموها و كاشفتمونا به

فی المجلة من السب والشتم والشتایم علی الشیعة و هم اکثر من مأة ملیـون نسمة

(مـا هکـذا تـورد یـا سعد الا بـل)

مع ان الرد علی شخص ابن المطهر (ره) انما هو رد علی الشخص و هو مسئول عن کلامه هـا نحن الشیعـة :

نؤمن بالله وملائکته و کتبه و رسله و الیوم الآخـر

و ما بقی لنا الا الشکایة مقرونا بالشکر و شکرا مقـرونا بالشکایة

امـا الشکـر ـ فعلی مالقنکم و یلقنکم دائماً تعالیم الرابـطة (رابطة العالم الاسلامی فی ضمن تعالیمهم المقدسـه المبشرة المیسرة بکلمات مبارکة میمونة فیها التقریب مثل کلمة رابطة العالم الاسلامی و کلمة الاخوة و الاخاء الایمانی وکلمة توکید الرابطة او توثیق الرابطـة والمودة الا خویة و اشباهها التی هی من تحف قبلتنا (قبلة الاسلام) الجامعة غیر المفرقـه فجیوش الاسلام کانوا اذا خرجوا من المدینة الی غزوة فی سریة اوصاهم رسول الله (ص) بهذا الوصیة الفاخرة

بشـّروا ولا تنفـّروا

ویسـّروا ولاتعسـّروا

وکان السلف الصالح من امتنا یراعی هذا الوصیة الفاخرة ویراعیها ایضا الرعیل الاول من معاصرینا فی رابطة العالم الاسلامی کامثال المغفورله الشیخ محمدسرور الصبان و الامین العام الآن الشیخ محمدصالح «القـزاز» ابقاه الله ـ و الشیخ محمد محمود الصواف ابقاه الله ـ والمغفورله المفتی المعظم السید محمدالامین الحسینی الفلسطینی (امناء الرابطـة و زملائنـا الاکرمین)

فانهم ايضاً كانوا يعملون بهذه الوصية الفاخرة فى ما علمنا و شاهدنا منهم و كانوا افضل امين ورابط توخياً للصلاح و توكيداً للاخوة و توثيقا للرابطة و ابتغاء للخير ولجمع الكلمة و كانوا افضل من شهدنا من رجال الرابطة عقلا و ذكاء .

و اما البعض الآخر ومنهم الاستاذ ابو الحسن الندوى (ابقاه الله ذخرا) ما اقول فيه الا ما قال الشيخ محمد عبده المفتى للديار المصرية فى حق السيد جمال الدين الافغانى فى كتاب له يخصه قال وختم المقال فيه بأن الفقيد (السيد جمال الدين) كان .

كلما بناه بفطنته او بهمته هدمه بحدته .



و اما الشكاية فمنكم و من مجلتكم فالى الله (والى الله المشتكى و الى محمد رسول الله والى جميع المقامات المذهبية او السياسية فى الاسلام والى رجالات و اقطاب الدعوة المحمدية فى مشارق الارض و مغاربها و و اليكم انفسكم شكاية - من تبديل الكلمة - الكلمة المقدسة المباركة كلمة الرابطة المبشرة و تبديلها بالقطيعة المنفرة و تبديل الاخاء والمودة والمقة و التقريب و تبديلها بالبغضاء و الشنأن و التشآئم . تلك الكلمة المشومة المعسّرة المنفّرة

ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فى السماء تؤتى اكلها كل حين باذن ربها و مثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الارض مالها من قرار - و هذه الشجرة الخبيثة اثمرت كل طعم علقم مرّ و انبتت شجرة الزقوم التى تخرج من اصل الجحيم .

اشكو اليكم والى زملائكم فى ندوة العلماء و الى زعمائكم فى مكة المكرمة فى الرابطة (رابطة العالم الاسلامى) اولاً

ثم نستعطفهم واياكم و نسألكم و اياهم العطف الى اخوانكم و الانصراف عن هذه القطيعة الى كلمة انشاء تموها فى اول الامر طليعة رسل السلام من عنوان الرابطة العالم الاسلامى فانا «مسلمون ند عود بر كل صلوة

رضينا بالله رباً و بمحمد نبياً و بالقرآن كتاباً و بالاسلام ديناً و بالكعبة قبلة و بعلى اماماً . هذا اعتقادنا هذا دعائنا و يكفينا و اما انتم فيكفيكم من كتاب ابن تيمية هذا الفصل (انّ الصحابة الاكرمين ليسوا ابرياء) و الضرب على بقية الفصول و الابواب . فانّ ابن تيمية لايعطف على الصغير ولا يحنو على الكبير ، ولا يبقى على احد حتى على شخصية فاطمة عليها السلام و على الحسن والحسين عليهما السلام فهو اذا نزع القوس اصاب المرمى ولو كان هو الله.

آفتى بود اين شكار افكن كه از اين صحرا گذشت



اقول . لنا اليكم هدية علمية كتاب «بيت المقدس» و ايضاً كتاب «ارض النبوة جسر عظيم » و ايضاً كتاب «رابطة العالم الاسلامى» قبس من ولاء علىٍ» وكتاب مع الخطيب فى خطوطه العريضة و ايضاً كتاب آراء ائمة الشيعة الامامية فى الغلاة . جوابا «عن هذه الافترات و نحن لانريدان نفتح باب الجدل فى الرد على ما جأ فى مجلتكم من تهجمأت على الشيعة حرصا على وحدة الكلمة و الا فلسنا عاجزين عن الجواب فمن دق الباب سمع الجواب ·



وغب هذا فننادى اعلياء الكلمة و اولياء امرالامة بالزام رجال الدين بكل امر جامع غيرمفرق مادام جوهرالدين محفوظا أنتم عبادالله نصب امره وتهيه و حملة دينه و وحيه و امناء الله علىانفسكم و بلغائه الى الامم .

ونخصص حكومةالحجاز ـ باعتبارانه حامى الحرمين الشريفين فى صيانة بنائها و بنيانها والحياطة على اولادها بنداء يخصها .

اسمعى يا حجاز

باعتبار ان حكومة هذه المنطقة حارس القبلة الجامعة الغيرالمفرقة و لابدان يحفظ علىالوحدة اكثر من غيرها فان وحدة الكلمة مفاد منطق القبلة الجامعة غيرالمفرقة و نستدعى منهم الضرب على ايادى التفرقة المنبثقة : من انبساط دعوة ابن تيمية المفرقةالمشينة المضنية الغير الجامعة فالواجب عليكم و علينا تعديل دعوة ابن تيمية لتكميل دعوةالقبلة و الحفاظ على اهل القبله ففى الحديث عن رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم «من صلى الى قبلتنا و اكل ذبيحتنا و قبل ملتنا فقد استوجب حقوق الاسلام و حدوده» و ارى ان رجال السياسة فىزماننا هذا ابصر بالامورفى هذا اليومالعصيب الرهيبواعلمبمسلك الحفاظ على وحدةالامة منالآخرين من رجالات افنوا اعمارهم فى تركيب (ضربزيد عمروا)فىالماضى، و الماضى ما مضى وقته وانصرم أجلهولاسيما هواة ابن تيمية ، فانهم يشجون بايديهم ما تأسون انتم رجال الدولة بآرائكم الناضجة و عقولكم النيرة العارفة بحكم ظروف الزمان و مقتضياته واليوم يتحتم على ملوك المسلمين و رؤساهم كما يتحتم على فقهاء الاسلام ان يعانق كل منهم الآخر كاخوين، و يعتنقوا المسلمينكآباءِ و بنين و يحسبون حياتهم

حياة امة واحدة، لابان يكون اللواء واحداً ويكونوا تحت حكومة واحدة بمعنى الخلافة فتندمج في امعائها امم معاكخلافة آل عثمان في القسطنطنيه في العصر الاخير، او خلافة الا مويين في الشام وفي اندلس (اسپانيا)، او خلافة الفاطميين في القاهرة، و خلافة العباسيين في بغداد - في عصر بعد عصر.

فان هذا النوع من الوحدة لاينفع في جامعة الامم، ولا ينفع في أنفسها امافي جامعة الامم، فان المناط في القوة و الاعتبار هنالك بتعداد الآراء، و كثرة الأصوات والتصويت لمرام واحد أياكان و هذا النوع من الخلافة سواء امويها امعباسيها امفاطميها لايعدو، ولاتؤدى في الاعتبار الا رأيا واحداً مهما عظمت المملكة، واتسعت رقعتها وهذا النوع من الوحدة يضرنا اليوم ولاينفعنا، بل النافع في هذا الباب كثرة اللواء وتعدد الأصوات في وحدة المرام متكثرة في العدد مجتمعة في الهدف.

فانه ماج البلاد العربية و الممالك العديدة كلها في معاء الخلافة العثمانية (الا تراك في القسطنطنيه) يحكم على العرب والقبط و الكرد والترك و اجناس من الامم لاينفعنا اذلاهي وافية بحقوق الرعية ولاهم اوفياء للحكومة ولا يمكنها القيام بحقوق الخلق ولاالقيادة بالحق لسعة البلاد الاسلامية في اقطار الاقاليم الشاسعة و بُعد الاصقاع واختلاف الحاجيات و اللغات و الاعتقادات والسنن القومية في هذه البلاد الطويلة العريضة فتسئي الى العرب عامة والى الفرس والى اهل نجدها خاصه فتمنع النجد و اهل نجد من الحج و كذالك تمنع شيعة العجم ويكثر القتلى في بلدة (درعية) ويحكم على فقهاء نجد بالاعدام و يحاكم القاضي الشيخ رشيد منهم و يحكم عليه بقلع اضراسه وامّا حروبها مع بلاد ايران الصفوية و تفجر البلاد العربية عليها فحدث فلا حرج كمالا ينفعنا خلافة

الامويين بالشام التى يقوم بلعن على عليه السلام سبعين عاماً ويقام فيها منابر فى مشارق ارض الاسلام و مغاربها بلعن اميرالمؤمنين اوّل الناس اسلاما

لعنته بالشام سبعين عاما

لعن الله كهلها و فتاها

يئن من ظلم امرآئها اهل الشرق و الغرب حتى ان وانين الشكوى تسمع من ناحية الغرب افريقية و يثور عليها من ناحيه الشرق خراسان وهم نيام.

اری تحت الرماد وميض نار | فيوشك ان يكون لها ضرام
اری النّيران بالعودين تزكو | و ان الحرب مبدأها الكلام
و قلت من التعجب ليت شعری | ا أيقاظ امية ام نيام ؟

حتى يجيش المسلمون الناقمون لحكومة بنی امية من ناحية خراسان تحت قيادة مسلم بل ابومسلم يقلب عروش "الامويين و يقول التاريخ فاخذهم الخراسانيون بالكافر كوبات (ای المقامع اللتى يقمعون بها الكافر.)

ومرادهم من الكافر رجال بنی امية وهواة بنی امية هذا فی الشرق و اما الغرب فالا فريقية المسلمة تعانی من ظلم امراء بنی امية ما يجعلها ناقمين على العرب حتى الى اليوم لايمنحون الجوازات لعربی يطلب الاذن يريد التغلغل فی داخل بلادها بغضاً للعرب مطلقا اقرء كتاب الافريقية الخضرآء لاخينا العلامة الشيخ محمد بن ناصر العبودی الامين العام لجامعة المدينة المنورة حفظه الله

يقول حكيم العرب المعری ابی العلاء

قلّ المقام فكم اعاشر امة | امرت بغير صلاحها امرآئها
ظلموا الرعية فاستجازوا كيدها | فعدوا مصالحها و هم اجرائها

امّا خلافة العباسييّن فی بغداد يهاجم عليها جيوش الاخوين «الامين»

و «المأمون» (ابناء الرشيد) فيحتلها الدمار و الخراب و يحمل رأس الخليفة المخلوع الى خراسان الى مرو الى اخيه و هما مسلمان و ماكان قلب عرش الخلافة في بغداد ولاالشام من جرّآء موالاةالشيعيين للكفار بل من ظلم الامراء فكان الحديث حديث ظلم و عدل لاحديث مذهب و عقيدة

يقول سعدى الشاعر الفارسى الايرانى الشيرازى .

خاك بغداد ز خون خلفا مى جوشد

و ر نه اين شط روان چيست كه دربغداداست

و اماالمرة الاخيرة من خراب دارالخلافة (بغداد) من هجمة هلاكوخان فلخلافة تسبيح دماء الشيعة فى عاصمتها فيهاجم على محلة كرخ بغداد و يقتل جماعة كثيرة من الشيعة واسرالبنات وحملهن عاريات على الخيول فى السوق و وكل ذالك بامر ابن المستعصم (احمد) امر بها و بنهب اموال الشيعة و ان الله لباالمرصاد فيقوم تيمور لنگ بالمكافات فى اسرالبنات وحملهن على الخيول فى السوق (فى دمشق الشام) وهوسنّى ليس بشيعى .

فما بكت عليهم السماء و الارض و ماكانوا منظرين

فالحديث حديث ظلم و عدل لاحديث مذهب وعقيدة

فاقرء قصيدة ابى فراس الشاعر الملك

الدين مهتضم والحق مخترم وفيئ آل رسول الله مقتسم

بنو على رعايا عقر دارهم والامر يملكها النسوان والخدم

***

ولا حاجة الى البحث عن الخلافة الاسلامية المروانية فى اندلس و وخلافةالفاطميين فى مصر وعاصمة قاهره فهذه خلافات تكسّرت من داخلها فلا نأسف عليها و لانعادى لاجلها بعضنا بعضا تلك امة قد خلت لها ماكسبت ولكم

ماکسبتم . کانت کشجرة یابسة قد کبرت وشاخت فاضطرمت واحترقت من داخلها فاسقطها الهوجاء و کانت کهشیم المحتظر

فانبت الله من اصل الشجرة من منابتها دولاً وحکومات صغیرة و وکبیرة لها حیویتها و خضرتها ونشاطها فالممالک الاسلامیة العربیة وغیر العربیة بکثرتها و کثرة الویتها وَ هم فی دور شبابها یمکنها ان یحصل فی مجمع الامم- المتحدة علی تأئیدات باکثریة ساحقة اذاقاموا متساندین متعاضدین تنادی بکلمة واحدة فی سبیل الهدف الواحد وتصوت لامر واحد و تصرخ فی غرض واحد .

فالمسلمون اخوة وهم یدٌ واحدة علی من سواهم تسعی بذمتهم ادناهم وابناهم و بالفارسیة شعر یمثل التضامن و التعاون الاسلامی المستفاد من قول رسول الله صلی الله علیه وآله

ما پنج برادران که از یک پشتیم — در پنجهٔ روزگار پنج انگشتیم

چون فرد شویم بر جهانها علمیم — چون جمع شویم بر دهنها مشتیم

فالتضامن والتعاون فی الاصابع الخمسة تمثل المذاهب الخمسة الاسلامیة تمثلها فی تعاونهم وتضامنهم فهم اذا کانو اکثیرین غیر متضامنین ولامتساندین لایمکنهم التخلص من براثن الآعداء والنجاة عن لهوات کتلة الشرق والغرب الاعداء قال رسول الله صلی الله علیه وآله ستتداعی علیکم الامم کتداعی الاکلة الی قصعتها ؟

قیل یا رسول الله امن قلة منا ؟

قال لا انتم الیوم کثیرون ولکنکم غثآء کغثآء السیل (الحدیث الشریف)

واما اذاقاموا متساندین متعاضدین لابدان یدفعوا عن انفسهم السیئة بالحسنة (ادفع باللتی هی احسن السیئة فاذا الذی بینک وبینه عداوة کانه ولی حمیم) کما

فعل العبد الصالح الخليفة «عمربن عبدالعزيز» فبدل السيئة الكلمـة المشئومـة التى يقولها معاوية و خلفاء بنى امية و امرآئهم و خطبائهم من لعن على عليه السلام فى صلواتهم فى قنوتهم .

(اللـهـم انّ ابا تـــراب قد الحدفى دينك فالعنـه لعناو بيلا)

فبدلها عمربن عبدالعزيـــز بهذه الاية

و الذين جائوا من بعدهم يقولون ربنا اغفرلنا و لاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولاتجعل فى قلوبنا غلاللذين آمنو ربنا انك رؤف رحيم (الايـــة)

فتعالوا الى كلمة سواء بيننا و بينكم ان لانعبـد الا الله ولايتخذ بعـضنا بعـضا اربا بامن دون الله (الايــــه)

بقى علينا الاستفسارعنكم عن امر بهمنّـا و هوانـّه هل فى مهرجانكم هذه فرصة تمنحونها امـّرؤاً مسلماً يدافع عن عقيدة او يقول كلمة فى التقريب بين المسلمين بينـّوا لنا هذا نـرى رأ ينافى الاجابـــة

و فى الختام .

تقبلوا فائق الاحترام والسلام عليكم ورحمة الله و بركاتـــــه

مخلصكم المشفق (خليل الكمره اى)

(خاتمه)

(ختامه مسک)

(دعوة بکنگرهٔ مکه مکرمه ۱۳۹۵)

هنگامیکه والد معظم در رجب وشعبان ـ درگیر پاسخ دادن بدعوتنامه های کنگره‌های هند ـ حیدر آباد دکن ـ و لکنهئو ـ بودند ناگهان دعوت کنگره مکه مکرمه درآستانه ورود ماه صیام فرا رسید بطوریکه نشان میداد اجتماع نخبهٔ گزیده مفکرین عالم اسلام وعلمای درجهٔ اول و صاحبان فتوی و رؤسای دانشگاههای کشورهای اسلامی و وزراء اوقاف در پیش است در ۱۵ تا ۱۸ ماه صیام ۹۵ در مکه مکرّمه در مقرّ رابطه کنگره اجتماع آنها تشکیل میشود ـ البته اینگونه اجتماع در پیرامون مسألهٔ مهمی خواهد بود ـ مسئله زنده کردن رسالت مسجد در اسلام که قلب نابض است مسئلهٔ مختصری نیست که بشود درآن سهل انگاری کرد وآنرا ندیده گرفت ـ تجدید عهد با خانهٔ آمال وکعبهٔ مقصود وباروضهٔ مطهرهٔ مدینه ﷺ وتجدید عهد بادوستان علمی هم شورانگیز بود . بعلاوه در دعوتنامه اضافه شده بود که عمرهٔ ماه رمضان درمعادله ثواب حج‌دارد یاحج‌باپیغمبر ﷺ وضیافت خدا درشبهای احیاءِ و موقع نزول قرآن است شما در همه اینها مهمان رابطهٔ عالم اسلام هستید با زیارت مدینهٔ منوره که آرزوی دل‌هرمسلمان معتقدی است خصوص که ده سال حرمان کشیده مثل ده سال هجران کشیده است وجای عذری‌هم باقی نگذاشته بودند بلیط هواپیمای‌ذهاب وایاب‌آنهم درجه ۱ در داخل‌پاکت بود ناچار شده با عوائق کثیره ـ گرمای تابستان ـ ضعف عمومی بنیهٔ مزاج

وصول ماه صیام - گرفتاری مسجد - پیچ‌وخم گذر نامه عادی با مبلغ گزاف سعی کرده بر عوائق غلبه نموده اوضاع‌وطن را نادیده گرفته در ۱۱ صیام ما سیزدهم آنها روز پنجشنبه بسوی کعبه مقصود وبهمراه صهر گرامی‌طباطبائی یزدی پرواز کردیم .

و کار این رساله بعهدهٔ برادران راه خدا واگزار شد و اکنون ماه ذی‌حجه بآخر نرسیده از همت بیدریغ آن بزرگواران بدست شما میرسدکار را فراخور بزرگی و اخلاص خود انجام داده‌اند واز بذل اخلاص‌بهیچ وجه دریغ نداشته‌اند و نامشان را نخواسته‌اند ذکرشود .

خداوند جمیل درآجل و عاجل اجر جزیل و ذکر جمیل‌عطاء فرماید از لطف عمیم خداوندگارنه عجب اگرآنان را - و ما راهم - در عدادانصار در آورد .

در پایان چون ذکر کنگره مکرمه درمیان آمد شاید برادران‌ایمانی بی میل نباشند که ازآن کنگره هم باخبر باشند دراین نشریه فشرده آنرابنقل از روزنامه«کیهان» آورده واماتفصیل‌آن را از نشریه مخصوص آن - کنگره مسجد (فارسی و عربی) ضمائم کتاب ارض‌النبوة جسر عظیم - بعربی - و ضمیمه کتاب پیغام میلاد امیرالمؤمنین بسلاطین اهل قبله به فارسی بجویند - درآخر از روزنامه«اطلاعات»تحت عنوان (سفری مقدس بخانه خدا) وضع مسلمین ایرانرا در اقبال بحج با فلسفه واسرار آن خواهید دید .



صحنه‌ای از اجتماع نمایندگان مذهبی ۷۰ کشور اسلامی در مکه . در عکس حضرت آیت‌الله کمره‌ای
و همراهان : آقای طباطبائی یزدی آیةاللهی و دکتر مهاجرانی دیده میشوند

از بخش مذهبی روزنامه کیهان شماره ۹۶۹۵

شنبه سوم آبان ماه ۱۳۵٤

برای وحدت و برادری بیشتر مذاهب اسلامی

«مراکز جهانی اسلام» ایجاد می‌شود

مجلس جهانی مساجد در مکه تشکیل خواهد شد

گروه گزارش کیهان

« مرکز جهانی مساجد عالم برای اولین‌بار با شرکت نمایندگان کشور های اسلامی و همچنین کشور هائی که دارای اقلیت و یـا ساز مان های اسلامی هستند، در مکه‌گشایش خواهد یافت. این مرکز کـه به تعبیری دیگر می‌توان نـام « مجلس سراسر اسلام » بر آن گذاشت ، موجب میگردد تا مذاهب مختلف اسلامی هر چه بیشتر بهم نزدیك شوند و بروح اتفاق و برادری ، یگانگی وحدت جدید دست یابند » .

دکتر عباس مهاجرانی واعظ معروف که بهمراه **حضرت آیت الله حاج میرزا خلیل کمره ای** در کنفرانس اسلامی «احیاء رسالت مسجد» در مکه شرکت کرده بود ضمن عنوان گفتار بالا در یك گفتگوی اختصاصی ادامه داد:

از ۱۵ تا ۲۰ رمضان کنفرانسی در مکه تشکیل شد که در آن ۳۰۰ تن از مسلمانان دانشمند ۷۰ کشور اسلامی وغیر اسلامی شرکت کرده بودند. موضوع کنفرانس «احیاء رسالت مسجد» بود و در آن تربیت و اعداد ائمه و خطباء ومبلغین ـ خطبه نماز جمعه وهدفهائی که درخطبه هر نماز جمعه باید دنبال شوند ـ سرپرستی ونظارت بر امور مسجد ـ تشکیل مرکز جهانی مسجد تأمین جنبه مادی مساجد وکیفیت معماری مساجد. مسجد الاقصی و اماکن مقدسه مورد بحث قرارگرفت.

مطالب بسیاری مورد بررسی و گفتگوی کنفرانس واقع شدند که محور اصلی همه آنها ترویج دین اسلام وایجاد وحدت بین همه مسلمین جهان و قرار دادن آنها درصف واحد بود.

دکتر مهاجرانی درمورد دلایل برپائی چنین کنفرانسی اظهار داشت: «مسجد درآئین اسلام احترام و احکام خاصی دارد و بین نماز و مسجد آن چنان ارتباط وثیق ومحکمی وجود دارد که غالباً مفهوم هردو کلمه بیکبار بذهن می آید.»

درتاریخ اسلام پیدایش مسجد به معنای پیدایش قدرت وآزادی و دینداری وشروع بزندگی اجتماعی وتعاونی است. وپیامبر بارها باهمیت

مسجد مردم رامتوجه میساختند . و درطی تاریخ هم‌شاهد بوده‌ایم که‌عالی‌ترین درسهای اخلاقی را درمساجد بمردم میداده‌اند و مسجد در عین اینکه معبد بود بصورت مدرسه ودانشگاه درآمد .

اما باگذشت زمان و مرور قرنها در اثر بروز اختلافات و جنگها وغلبه دنیاپرستی ومتابعت از مسائل صرفاً اقتصادی مسجد چهرهٔ نخستین خود را ازدست‌داد وصورتی تقریباً بیروح پیداکردکه‌با اساس تعالیم اسلام‌منافات دارد . برای بازگردانیدن مسجد به رسالتی که از آغاز اسلام بردوش داشت گردهم آئی‌درجهان‌اسلام لازم بود ، واین‌مهم رامرکز «رابطةالعالم‌الاسلامی» برعهده گرفت .

در قاهره یا مکه :

دکتر مهاجرانی سپس به مسائلی که دراین کنفرانس مطرح شده‌بود اشاره کرد وگفت : موضوع‌تشکیل «مجلس‌جهانی‌مساجد» رادکترعبدالحلیم محمود شیخ الازهر پیشنهاد کرد وگفت بهتر این است که این مرکز در الازهر باشد وزیر نظارت «رابطةالعالم الاسلامی» اداره شود . امانمایندگان کشور عربستان سعودی مخالف این نظر بودند وبعداز مذاکرات بسیار مقرر شد که این مرکز اسلامی درمکه باشد و برای این امر کمیته‌ای خاص‌تشکیل شد تا از سراسر دنیای‌اسلام افرادی رابرای عضویت درمجلس اعلای جهانی مساجد انتخاب کنند . اسامی انتخاب شدگان درجلسه عمومی کنفرانس خوانده شد ومادقت کردیم وپی‌بردیم که از شیعیان عموماً و خصوصاً از ایران کسی را تعیین نکرده‌اند و این امر باروح برادری اسلامی منافات‌دارد

لذا بامشورت با **آیت‌الله کمره‌ای** طی سخنانی اظهار داشتم :

اشخاصی که انتخاب شده‌اند همه مورد احترام وقبول ما هستندلکن متأسفانه شما میلیونها شیعه را درسراسر جهان نادیده گرفته‌اید. خصوصاًملت مسلمان ایران راکه ازنیمه قرن اول هجری درآن‌کشور مسجدها ساخته اند ودر نشر اسلام کتابها نوشتند ودانشمندان بزرگ آن‌سرزمین خدمات گرانبها به مسلمین وفرهنگ اسلامی کردند.

چگونه میشود ازایران وشیعه نمایندگانی در مجلس جهانی مساجد نباشند ومن اگر این کار راحمل برتعصبات مذهبی نکنم ناچارم بگویم غفلتی شده‌است. لذا پیشنهاد می‌کنم که شرکت‌کنندگان دراین کنفرانس به‌انتخاب عضو یا اعضائی از علمای ایران درمجلس جهانی‌مساجد رأی دهند که این پیشنهاد مورد قبول همه حاضران قرارگرفت ومقرر شد درنخستین جلسه‌مجلس جهانی که تشکیل میشود اعضاء موجود یك نفررا نیز از ایران انتخاب‌کنند.

از دکتر مهاجرانی درمورد قطعنامه کنفرانس میپرسیم، می‌گوید:
«چند مسئله بسیار مهم به تصویب رسید که مهمترین آنها همان ایجاد مرکز جهانی اسلامی میباشد.

همچنین باید ازهم‌آهنگ کردن دعوت‌های اسلامی درسراسردنیای اسلام نام‌برد. دراین مورد توجه خاص به‌نیازهای منطقه‌ای‌وجغرافیائی گردید و تصمیم‌گرفته شد افریقا وآمریکای‌لاتین در صدر دعوت‌های‌به‌اسلام‌باشد.»

مسئله مهم دیگر اینکه کنفرانس پیشنهاد کرد که بایدهم‌آهنگی های لازم بین دعوت مسجد وتبلیغات از طریق وسائل ارتباط جمعی بوجود آید. باین مطلب باید اضافه‌کنم که تنوع وسائل دعوت‌را وهمچنین ایجادرادیوی

جهان اسلام را درمکه که با زبانهای مختلف برنامه‌های ارشادی پخش میکند و رادیوهای دیگر ممالك اسلامی علاوه بر برنامه‌های ثابت رادیوئی وتلویزیونی در بارهٔ اسلام ، مسائل دینی را تنها بوسیله علمای این رشته مطرح نمایند .

مهاجرانی سپس اضافه میکند که در کنفرانس تصمیم ایجاد مسجد درمدارس ، مراکز نظامی ، دانشگاهها ، کارخانه‌ها و کلیه محل‌های اجتماع گرفته شد .

ازمهاجرانی درباره مسجدالاقصی میپرسیم و تصمیماتی که درکنفرانس راجع به‌آن گرفته شده ، میگوید : برای مسجدالاقصی و حفظ آن کمیته‌ای دائمی بنام کمیته «مسجدالاقصی» تشکیل گردید . وظیفه این کمیته این است که از تمام راههای سیاسی ومذهبی وغیره برای حفظ این مسجد استفاده کندو همچنین روش‌های تمام کشورهای مسلمان را در مورد این مسجد واسترداد آن و بازگشتن بجهان اسلام را تحت یك راهبری خاص قرار دهد .

دکتر مهاجرانی سپس افزود : «یکی ازپیشنهادات من که موردقبول واقع شد تهیه دائرةالمعارف مسجد بود که شامل خصوصیات کلیه مساجد جهان باشد .»

یکی از مسائل مهم قطعنامه نیزلزوم توجه بیشتر به تربیت زنان مسلمان است تابتوانند رسالت اسلامی خودرا بهتر درك کرده و وظیفه خودرا درنشر اخلاق ودعوت به دین ایفا کنند .



اینك مبحث (سفری مقدس بخانه خدا) از روزنامه اطلاعات آورده میشود .

سفری مقدس به خانه خدا

خدایا بپذیر وسایه آنهمه لطف وعنایت بیکرانت را بر سر ما بگستر ... ودر قفای آنها ، هزاران قلب مشتاق دیگر ، به بدرقه مسافرانشان می‌تپدو بر لب‌ها ، این دعا را جاری می‌کند! خدایا ، زیارت مسافران ما را قبول فرما ...

تلبیه

لَبَّیْکَ اَللّهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ لاشَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ لاشَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ

بارالها امر تو را اقبال کردم و دعوتت را بفریضه حج اجابت نمودم ، برای تو شریکی نیست بدرستیکه ستایش و نعمت و فرمانروائی از آن تو است ، تورا انبازی نیست .

فردا ، راه خانهٔ خدا ، پاکترین خانهٔ جهان ، گشایش می‌یابد و ۶۰ هزار زن ومرد ایرانی ، بتدریج سفر مقدس و روحانی حج را آغازمی‌کنند. مردان و زنانی که خدا جویان وخداگویان ، با آتش اشتیاق زیارت خانهٔ خدا در دل ، راهی کعبهٔ دلها میشوند ، تا چون صدها هزار مسلمان گیتی ، بر آستان‌حق‌مطلق سرتعظیم فرودآورند وپیشانی تکریم بسایند .

صداهای مشتاقان خانه خدا ، صداهائی است که‌طنین‌های گوناگون دارد : ده‌ها صدا ، صدها صدا ، هزارها صداست ، که از سینه‌های‌زن‌و مرد

وسیاه وسفید بر می‌آید اما درآن حرم امن وامان ، یك رنگ می‌گیرد ویك طنین می‌یابد . طنین امید ، آرزو ، نیاز ، نیایش و ستایش به درگاه پروردگار یکتا . چنان‌که گویی ، تمامی‌آنان ، که با دل‌های مشتاق ، سینه‌های گرم از آتش مهرالهی ، اندیشه‌هائی شسته در چشمه‌سار ایمان وپاکی وراستی ، به درگاه خدای یگانه رفته‌اند تا پیشانی بندگی بر درگاه جلالش بگذارند و بار دیگر ، با او ، آن همیشه یگانه ، وفای عهدکنند . با این صدا وندا :

پروردگارا ، برای پاسخگوئی به ندای تو ، بسوی خانه‌ات آمدیم.. آمدیم‌تا باتو تجدیدپیمان‌بندگی کنیم . پس ، ای‌یگانه‌ترین ، بندگی‌ماراقبول کن!

آن فلسفه شگرف

مراسم حج ، که تاریخ بشریت ، مانندآن را در جلال و شکوه بیاد ندارد ، تجلی‌گاه یگانه پرستی ، همسان اندیشی ، یکدلی ، یکسان نگری و همه سو نگری است .

اما براستی ، چیست فلسفه این مراسم شگرف ، که ازقرنها پیش ، هرچه زمان گذشته ، نه تنها کمترین غباری برچهرهٔ آن ننشسته ، بلکه ازپشت دیوار قرون و اعصار ، چهره‌اش روشن‌تر وشفاف‌تر شده‌است :

چیست فلسفه این‌مراسم شگرف ، که هزاران زن ومرد را ، ازنقاط مختلف دنیا ، با زبانها ، نژادها ، رنگ‌ها ، آداب ، عادات ، ملیت ها و قومیت‌های مختلف به‌گرد هم می‌آورد وآنان را ، حتی‌اگر هزاران اختلاف با هم داشته باشند ، یکدل ویکصدا ، بسوی یك هدف و یك اندیشه می‌برد؟

حضرت آیة الله کمره‌ای دربارهٔ فلسفه حج می‌گوید :

از آغاز بشریت تا امروز ، هرچه نا امنی درجهان رخ نموده ، از

آن روی بوده‌است که صاحبان زور وزر ، تا توانسته‌اند ناتوانان وافتادگان را چپاول کرده‌اند وبرق زر چنان چشمهایشان را بسته است که هیچ جزمال دنیا ندیده‌اند ودراین ندیدنها ، بارها درطول زندگی شان : گام ازراه عدل وانصاف بیرون نهاده‌اند .

وپروردگار یگانه ، برای ازبین رفتن این ستمگریها وحق‌کشی ها و و زورگوئی‌هاست که خانهٔ کعبه را برپا داشته است . زیرا که در این خانه ، و درمراسم خاص آن ، ریشه ظلم توانگر به ناتوان وافتاده ، ازبن میسوزد ، همه ساله ، طبقه مرفه و توانگر ، بدعوت خداوند ، به این خانه میروند ، تادر آنجا ، ازخدای خود درس رعایت انضباط وعدل وانصاف وحق وحقیقت بگیرند . زیرا که در مراسم حج ، زائران خانه خدا دور از تعصبات نژادی ، بی توجه بامتیازات مادی وطبقات ، بی اعتناء به تجملات ، تمامی لباسهای دوخته شده خود راکنار می‌گذارند (لباس‌هایی که گاه نوع پارچه و طرز دوخت آن نیز حاکی از اختلافات طبقاتی است) و همه، بجای لباس‌های گرانقیمت، با تکه‌یی پارچه سفید ـ به‌عنوان تن‌پوش ساده و یکسان ـ گام به خانه خدا می‌گذارند و تمام اختلافات طبقاتی راکنار می‌گذارند و این، خود، نخستین درس تحکیم روابط انسان با انسان، براساس اصول انسانیت است.

لباس زائر خانه خدا ، نباید غصبی باشد: این خود ، درسی دیگر است تا ثروتمندان بدانند که هرگز نباید از راه‌های حرام به گردآوری مال دنیا دست بزنند و نباید مال دیگران را ، از طریق غصب، به‌مال خود بیفزایند.

مراسم حج، مراسمی دشوار است که هرکس آنرا بجای آورد، باید که سختی‌های بسیار تحمل کند و با توانایی‌های روحانی و نفسانی، تمامی غرایز حیوانی‌اش را فراموش کند و در یك کلام، نفس خود را مهار کند. بدینگونه، خداوند با این سختگیریها، به توانگران و قدرتمندان، درس خودداری دربرابرشهوات حیوانی می‌دهد، تا بهنگام خود از این غرایزدوری کنند و از راه‌حق و عدالت منحرف نشوند.

بهنگام انجام مراسم حج، زایر خانه خدا باید دایما «لبیك.. اللهم لبیك..» برزبان آورد و هرلحظه اقرارکندکه همواره مطیع ذات احدیت ودرفرمان اوست واین درس دیگری است‌که به‌توانگران هرآن یادآوری میکندکه مردم، با هر اندازه استغنا و توانگری، خود تحت فرمان نیروی بزرگتری هستند که نیروی شگرف خداوندی است و حق ندارند دیگران را تحت فرمان خود بگیرند و برآنان ظلم برانند.

و براستی، آیاآن که این مراسم را باخلوص نیت انجام میدهدواز هر لحظه آن درسی در جهت انسانیت می‌گیرد، پس از بازگشت به وطن خود، گام‌های بلند درجهت رهایی دنیا از این نا امنی‌ها برنمیدارد؟..

داستان ابراهیم...

وداستان حج‌او، ماجرایی‌است‌که ریشه درآئین پاك الهی‌دارد: حضرت ابراهیم، قرار بود در یك آزمون شگرف، فرزند خود ـ اسماعیل ـ راقربانی کند تا ایمان خویش را به پروردگارش به اثبات رساند. لیکن درآن لحظه دردناك، خداوند، قربانی‌کردن انسان را به قربانی‌کردن گوسفند و شترمبدل کرد و اصول انضباط و اطاعت از فرمان خداوند را، به عنوان یك اصل

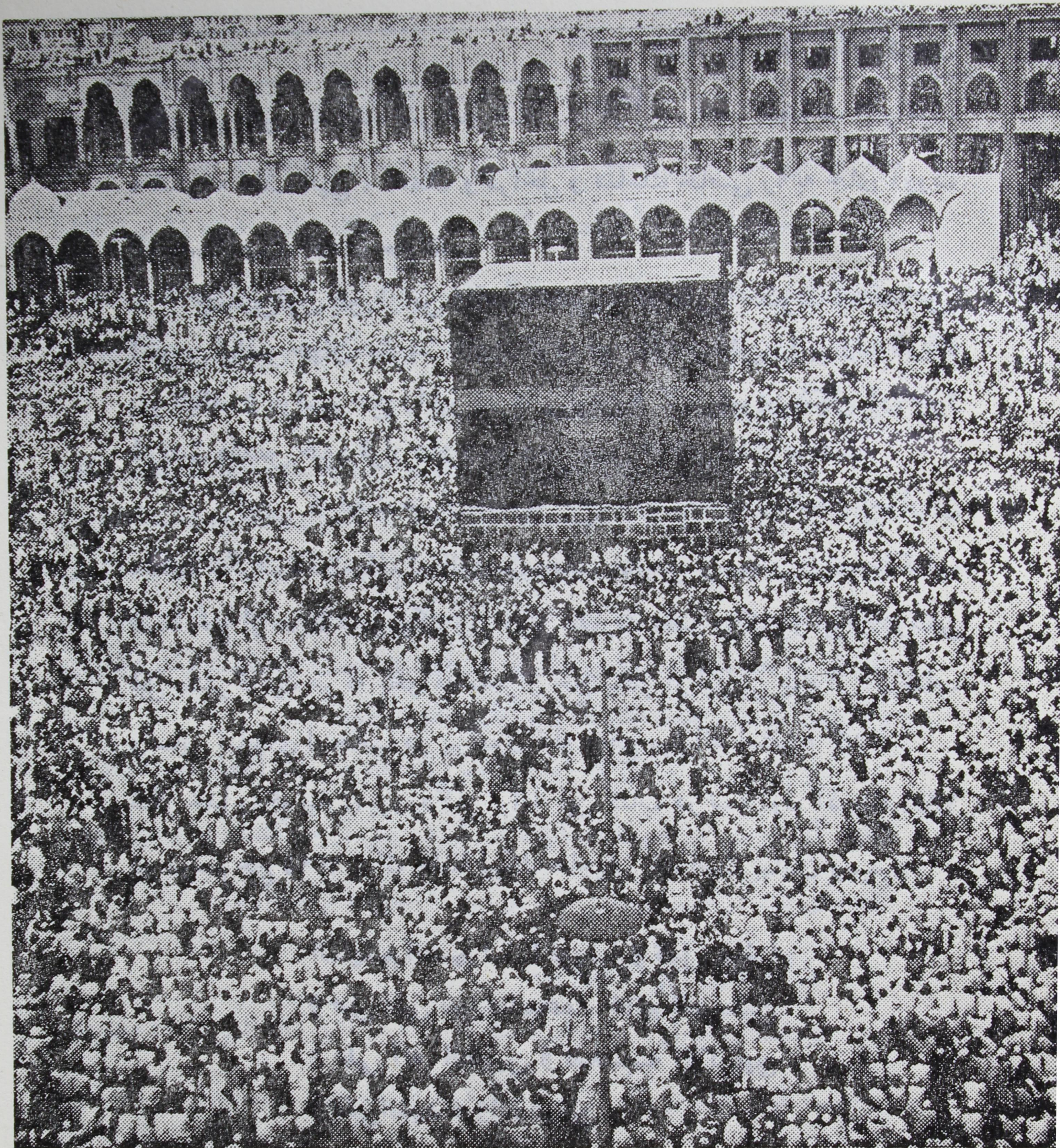
ابدی و بی‌تغییر، به ابناء بشر آموخت. پس از این واقعه، حضرت ابـراهیم، به شکرانه لطف الهی ، اعمال و مراحل و مناسك خاصی را به جای آورد، که بعدها اصول اعمال حج شد..

چندین‌قرن پس ازاین واقعه مذهبی ـ تاریخی، حضرت محمد(ص) آخرین پیامبر جهان بشریت ظهورکرد، نوریگانه پرستی را بر راه تاریك بشر تاباند و مراسم حج را نیز در عالی‌ترین و کامل‌تـرین شکل آن جزو شریعت مقدس خود قرار داد و در دین مبین اسلام پایدار ساخت.

کتابی که تحت عنوان «اسرار حج» تألیف نموده ومتضمن اسراراین عبادت شگرف است بقلم ابوالقاسم سحاب بفارسی ترجمه و با ضمیمهٔ کتاب فلسفهٔ حج از حافظ‌عامر بیک ژاژ دوفر سفارت مصر درکشور ایران درسنین قبل منتشرگردید هرکه بخواهد باسرار حج بیشتر از این پی ببرد از آن‌کتاب و سایر کتابهای اینجانب در پیرامون قبله وحج میتواند استفاده کند .

شکر خدا راکه بیاری پروردگار توانا این کتاب در نیمه اول آذرماه ۱۳۵٤ در موسم حج ۱۳۹۵ ـ که غلغلهٔ لبیک حاجیان بلند است بپایان رسید .

الـلهـم اتمـم لـنـا نورنـا و تقبل مـنـا
و صل علی سیدنـا محمد خاتم المرسلین
و علی آله الطیبین و صحـبـه الاکرمین
و علی‌الشهداء والصدیقین .



بسوی خانه خدا ... با خلوص نیت ، با پاکی دل ، به دور از تجملات ، اختلافات نژادی و طبقاتی ، زیرا که آنجا ، همه یکسانند ، همه یکسان می‌بینند و یکسان می‌اندیشند : پروردگار یگانه هیچکس را بر هیچکس دیگر برتر نمیداند ، مگر آنان را که پرهیزگارترند ویکی از تجلیات پرهیزگاری ، اینجا ، درخانه خدا ، هرسال در تکراری با شکوه ، به چشم جهان و جهانیان دیده می‌شود ...



تمثال والد معظم حضرت آیة الله کمره‌ای آقای حاج میرزا خلیل
مجتهد مرجع عالیقدر

تألیفات والد در کتاب جداگانه فهرست شده مهمات آن از این قرار است .

(۱) قبله اسلام کعبه یامسجدالحرام (۲) بیت المقدس و تحول قبله (۳) ارض النبوة جسر عظیم (۴) پیام امیرالمؤمنین از میعادگاه کعبه بسلاطین اهل قبله (۵) رابطه عالم اسلام قبس من ولاء علی(ع) (٦) آراء ائمة الشیعة الامامیة فی الرد علی الغلاة (۷) افق وحی (۸) افق اعلی نگاهی بچهره محمد و علی (ع) (۹) عنصر شجاعت در ٦ جلد (۱۰) کتاب ملکه اسلام فاطمه زهرا (ع) (۱۱) کتاب سرچشمه آب حیاة علی والزهراء (۱۲) قائم آل محمد وفلسفهٔ غیبت (۱۳) تاج مأمون الرشید (۱۴) تفسیر سورهٔ نور (۱۵) شرح نهج البلاغه آسمان و جهان (۱٦) کتاب نهج البلاغه وجنگ (۱۷) کتاب مادر تا تمام پنجاه جلد وبیشتر که مطبوع ومنتشر شده است .